رضاشاه پهلوی در ترکیه

به روایت اسناد تاریخی



ترجمه و تحقیق علی اصغر حقدار

حزب مشروطه ایران
(لیبرال دمکرات)

رضاشاه پهلوی در ترکیه

به روایت اسناد تاریخی

ترجمه و تحقیق

علی اصغر حقدار

شهریور ۱۳۹۸



رضاشاه پهلوی در ترکیه به روایت اسناد تاریخی

ترجمه و تحقیق: علی اصغر حقدار

دفتر مطالعات مشروطه خواهی حزب مشروطه ایران(لیبرال دمکرات)

با همکاری انتشارات باشگاه ادبیات

تیراژ ۵۰۰ نسخه

چاپ اول: شهریور ۱۳۹۸/ سپتامبر ۲۰۱۹

شابک: ۵-۳۸-۸۵۹۹۵-۹۱-۹۷۸

«مدت‌هاست با کمال خوشوقتی، ناظر ترقیات عظیم ملت دوست و هم جوار خود هستم و لزوم دوستی با ترکیه را احساس می‌کنم و به همین مناسبت، خوشبختانه امروز می بینم که این دوستی، در آتیه از هر تزلزلی مصون خواهد بود و دو ملت همسایه و برادر، می‌توانند با کمال اعتماد و اطمینان، به یکدیگر متکی باشند و وظیفه خود را که ادامه ترقیات و توسعه تمدن است، ایفا کنند.»

رضاشاه پهلوی

فهرست مطالب

مقدمه/۹

دعوت از رضاشاه پهلوی/۱۳

دلایل سفر رضاشاه به ترکیه/۲۹

بازتاب های سفر در روزنامه های ترکیه/۴۷

بازتاب سفر در جراید خارجی/۴۹

رضاشاه در آنکارا/۵۹

رضاشاه و آتاتورک در آناتولی/۶۵

رضاشاه و آتاتورک در اسکی شهیر/۶۷

آتاتورک و رضاشاه در استانبول/۶۹

رضاشاه در مسیر استانبول به ایران/۷۳

بازتاب سفر رضاشاه در رسانه های ترکیه/۷۵

گزارش های مجلس کبیر ملی ترکیه/۸۱

بازتاب های سفر رضاشاه در رسانه های ایران/۸۳

بازتاب سفر رضاشاه به ترکیه در اروپا و آمریکا/۸۷

بازتاب سفر رضاشاه در روزنامه های خاورمیانه/۸۹

پیوست: زندگی و پادشاهی رضاشاه پهلوی/۹۱

گزیده منابع تحقیقی/۱۰۵

تصاویر/۱۱۱


اطلاعات

مقدمه

تنها سفر خارجی رضاشاه پهلوی به ترکیه است. این سفر که به دعوت رسمی مصطفی کمال آتاتورک بنیان گذار ترکیه نوین انجام گرفت، سرآغاز روابط دوستانه و همه جانبه ای میان ایران و ترکیه گردید. رضاشاه در دیدار از ترکیه که همراهی آتاتورک را داشت، ضمن انعقاد قراردادهای تجاری، سیاسی و امنیتی، اختلافات سرحدی که از دوران حکومت های قاجار و عثمانی مانده بودند را حل کردند. دیدار از مراکز تاریخی استانبول و پیشرفت های صنعتی و نظامی ترکیه در شهرهای مختلف، بخش عمده از حضور رضاشاه در ترکیه را تشکیل می دهند. بازتاب سفر تاریخی رضاشاه پهلوی به ترکیه در مطبوعات و اسناد رسمی دولتین ایران و ترکیه، موضوع کتاب است.

در تدوین کتاب حاضر همراه با استفاده از منبع مختصر در زبان فارسی، بیشتر به ترجمه بخش هایی از کتاب تازه منتشر شده دکتر طارق سایغی تحت عنوان «شاه و آتاتورک» را پرداخته ام؛[1] نویسنده در فصل اول به بیان دلایل مسافرت رضاشاه پهلوی به ترکیه- مسایل مربوط به آمادگی ترکیه در استقبال از رضا شاه و تدارکات آن می پردازد؛ قصد و علت رضاشاه از مسافرت به ترکیه و بازتاب این مسافرت در افکار عمومی ترکیه و جهان، از بحث های این فصل بشمار می روند.

فصل دوم از زمان مراحل سفر رضاشاه از تهران تا آنکارا- حضور رضاشاه در آنکارا و استقبال رسمی از او- مسافرت آتاتورک و رضاشاه به منطقه آناتولی- دیدار رضاشاه و آتاتورک از شهرهای اسکی شهیر- کوتاهیه- افیون- اوشاق و مانیسا، گزارش می دهد. هم چنین سفر رضاشاه به همراه آتاتورک به مناطق ازمیر- بالکسیر و چاناق قلعه و حضور رهبران ایران و ترکیه در استانبول تا بازگشت رضاشاه به ایران، در این فصل بررسی شده است.

فصل سوم در رابطه با افکار عمومی ترکیه اعم از مطبوعات- رسانه های شنیداری و تصویری- بازتاب سفر رضاشاه به ترکیه در افکار

[1]- متن ترکی توسط انتشارات پارولا در استانبول ۲۰۱۴ و با ۲۰۷ صفحه منتشر شده است.

عمومی جهان و مطبوعات خارجی نظیر کشورهای خاورمیانه- اروپا و آمریکا نوشته شده است. بازتاب سفر رضاشاه به ترکیه و حضور آتاتورک در این سفر در افکار عمومی و مطبوعات ایران، از بخش های دیگر این فصل از کتاب است.

خاتمه کتاب که به صورت نتیجه گیری آمده است، مؤلف به حساسیت دیدار رضاشاه از ترکیه در مجامع سیاسی و دیپلماتیک ایران و ترکیه- خاورمیانه و روابط بین المللی آمریکا و اروپا پرداخته شده است.

نویسنده کتاب- دکتر طارق سایقی متولد ۱۹۷۲ و دانش آموخته ادبیات و تاریخ از دانشگاه بوغارچی استانبول است. در ۲۰۰۴ با ارائه تزی در رابطه با ترکیه دوران آتاتورک دکترا گرفته است. از مؤلف کتاب هایی دیگر در رابطه با موضوع تحقیقات دوران نوین ترکیه منتشر شده است.

به تعبیر طارق سایغی «خواست رضاشاه برای نزدیکی با ترکیه به معنای شکستن سیاست‌های سنتی ایران در مقابل ترکیه بوده است. رضاشاه با اتخاذ سیاست دوستی با همسایگان تلاش کرده تا استراتژی خود برای جدایی اقتصادی و سیاسی از روسیه و انگلستان را عملی کند. در این دوره رئوس اصلی سیاست خارجی

ایران و ترکیه را باید در بی طرفی، عدم مداخله در سیاست کشور دیگر، وفاداری به مرزها و همکاری اقتصادی متقابل دانست.

رضاشاه و آتاتورک راه‌های برطرف کردن مشکلات میان دو کشور را پیدا کردند. در دوره زمامدای این دو رهبر هیچ اختلاقی میان دو کشور پدید نیامد و این دوره درخشان ترین دوره روابط میان دو کشور است.»

بسامان آمدن این کتاب مرهون حمایت های معنوی و مادی جناب آقای فؤاد پاشایی- جناب آقای نادر زاهدی و جناب آقای فرزاد فراهانی است؛ امیر عزتی با سعه صدر و علاقه مندی همیشگی طرح روجلد را تهیه و موافقت کرد کتاب در مجموعه انتشارات باشگاه ادبیات منتشر شود.

علی اصغر حقدار

۱۴ مرداد ۱۳۹۸- استانبول

دعوت از رضاشاه پهلوی

ایران و عثمانی دو کشور همسایه در منطقه استراتژیک خاورمیانه هستند که در طی دوران به تناسب مسائلی که قدرت‌های همجوار دیگر و بیگانگان بر آنها و دیگر مناطق بین‌النهرین تحمیل می‌کردند، در قرن نوزدهم صحنه برخوردهای نظامی و درگیریهای سیاسی بودند و این برخوردها تاثیرات ماندگاری بر مناطق مرزی و منافع تجاری هر دو طرف از خود بر جای می‌گذاشت؛ در دوره ناصرالدین شاه یک بار بعد از معاهده الرزنهٔالروم، احتشام‌السلطنه به تعیین خطوط مرزی مبادرت کرد، اما با سپری شدن زمان و اتفاقاتی که در مناطق مرزی میان ایران و عثمانی افتاد، اقدامات او به فرجام منطقی خود نرسید؛ وقوع جنبش مشروطیت در ایران و تحولاتی که امپراتوری عثمانی را به کشور جدید ترکیه تبدیل نمود، بر روابط میان این دو همسایه آثاری مترتب کرد که تجدید نظر در اقدامات و تعریف دوباره روابط را می‌طلبید؛ به واسطه دوران بحرانی از

مشروطیت تا استقرار نظام شاهنشاهی پهلوی، حل این مسائل به محاق فراموشی افتاد تا اینکه با سفارت محمد علی فروغی در استانبول و تهیه مقدمات نزدیکی دو کشور ایران و ترکیه به همدیگر، مسافرت رضا شاه به آن کشور برای پروسه تنش‌زدایی ضروری تشخیص داده شد و با این مقدمات رضا شاه عازم سفر خود شد.[۲]

در اول اردیبهشت ۱۳۰۵ عهدنامۀ ودادیه و تأمینیه بین دو کشور منعقد گردید و قرار شد مذاکرات مربوط به انعقاد موافقتنامه‌های گمرکی و سرحدی و مبادلات پستی و غیره نیز بلافاصله آغاز شود. اما حوادث مرزی و اقداماتی که ترکها در سرکوبی عشایر کرد مرزنشین به عمل آوردند باعث وقفۀ این مذاکرات شد. در مهر ۱۳۰۶ ترکها به گمان اینکه یک ستون از ارتش آنان که به دست کردها اسیر شده بود به ایران آورده شده و تحت اختیار مقامات ایرانی می‌باشد، سفیر خود را از تهران احضار کردند و روابط بین دو کشور تیره شد. اما پس از توضیحاتی که دولت ایران داد، بحران برطرف و مذاکرات از سر گرفته شد و منجر به امضای موافقتنامۀ گمرکی در خرداد ۱۳۰۹ و موافقتنامۀ تعیین خط سرحدی در دی

[2] – تاریخ بیست سالۀ ایران، ج ۳، ص ۱۳۶؛ یادگار عمر، ج ۲، ص ۳۰۲؛ در دورۀ پادشاهی پنج شاه، ص ۲۴۴؛ رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، ص ۱۵۴.

۱۳۱۰ گردید. به موجب موافقتنامه اخیر بخشی از اراضی مجاور کوه آرارات به ترکها واگذار شد و در عوض قطعه زمین وسیعی در کردستان به ایران تعلق گرفت۱. در ۱۴ آبان ۱۳۱۱ نیز دو عهدنامهٔ مودت و امنیت و رفع اختلاف مرزی در آنکارا بین دو کشور به امضا رسید.

در روز ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ محمدعلی فروغی دعوت حضرت مصطفی کمال رییس جمهور ترکیه را از اعلیحضرت شاهنشاه ایران به آگاهی مجلس شورای ملی رسانید:

«... چندی قبل حضرت غازی مصطفی کمال رئیس جمهور دولت ترکیه رسما از اعلیحضرت اقدس شاهنشاه پهلوی دعوت کردند و اعلیحضرت همایونی هم این دعوت را با کمال مسرت اجابت فرمودند و بنابراین در ماه آینده یعنی در ماه خرداد بخاک ترکیه از راه آذربایجان ورود خواهند فرمود و تقریباً دو هفته الی هیجده روز این مسافرت طول خواهد کشید و دیدن رسمی بین این دو رئیس معظم مملکتین بعمل خواهد آمد و یقین است که این ملاقات‌ها و این دیدوبازدیدها موجب تشیید و تحکیم روابط حسنه و موجب مزید نتایج مطلوبه است چون استحضار خاطر آقایان از این موضوع لازم بود عرض شد...»

رئیس مجلس شورای ملی نیز در رابطه با اهمیت سفر به ترکیه افزود: "شاهنشاه ما برای هر امری مصمم می‌شوند میدانیم که آن امر با اصلاح مملکت توأم است و در این مورد نیز مسلم می‌باشد روابط بین دو ملت دوست همجوار یعنی ایران و ترکیه که خیر و صلاح هر دو مملکت می‌باشد با این مسافرت تأکید و تشیید می‌شود. مسافرت- (یعنی مفارقت ایشان) برای هر مدت کمی هم باشد بر ما شاق و دشوار است (صحیح است) ولی آزموده‌ایم که تا امری حائز ضرورت و واجد اهمیت نباشد طرف توجه ایشان واقع نمی‌شود. دعای خیر و احساسات شاه پرستانه خودمان را بدرقه موکب ایشان قرار داده بقا و عظمت ایشان را آرزو داریم.»

۱۲ خرداد ماه ۱۳۱۳ اعلیحضرت همایون رضا شاه پهلوی به دعوت مصطفی کمال آتاتورک رییس جمهور ترکیه، با خودرو رهسپار آذربایجان شدند تا از راه تبریز – ماکو – ترابوزان به خاک ترکیه وارد شوند. باقر کاظمی وزیر امور خارجه، حسین سمیعی رئیس تشریفات داخلی، حسین شکوه رئیس دفتر مخصوص، قره‌گوزلو رئیس تشریفات، امیر لشکر امان الله جهانبانی، سرتیپ عبدالرضا افخمی، سرتیپ صادق کوپال، سرهنگ حسن ارفع، سروان محمود خسروانی، سروان حسینقلی اسفندیاری، سروان عبدالله ظلی، سروان علی‌اصغر مزینی، ستوان یکم محسن قدیمی، عباس فروهر معاون تشریفات وزارت خارجه، حسین قدسی منشی وزیر خارجه، یوسف

شکرانی عضو دربار و اسدالله ارفع رئیس بخش رمز ستاد ارتش، اعضای هیأت همراه رضاشاه را در سفر به ترکیه تشکیل می‌دادند.[۳]

در درازای راه از هر استانی که خودروی اعلیحضرت و همراهان وارد می‌شدند، استاندار، فرمانده ارتش و ژاندارمری به پیشباز آمدند.

۱۵ خرداد ماه ۱۳۱۳ اعلیحضرت در راه سفر خود به ترکیه از نمایشگاه کالاهای کشاورزی و صنعتی آذربایجان دیدن کردند. در این بازدید پس از شنیدن گزارش بنیان نمایشگاه و استقبال بازرگانان و صنعتگران و کارخانه داران، شاهنشاه فرمودند:

«آذربایجان افراد شایسته و با استعداد زیاد دارد و من خیلی خوشوقتم که می‌بینم مردم به این نوع کارهای اقتصادی و اموری که سبب پیشرفت تجارت است توجه کرده‌اند. گمان می‌کنم که در همه ایالات و ولایات بتوان چنین نمایشگاه‌هایی ترتیب داد و مردم سایر شهرها باید به آذربایجانی‌ها تاسی کنند. این نمایشگاه بهترین هدیه‌ای است که آذربایجانی‌ها به من داده‌اند. علاقه مرا به این کارها هرگز فراموش نکنید.»

۲۲ خرداد ماه ۱۳۱۳ رضا شاه از مرز ایران وارد خاک ترکیه شدند. در مرز ایران و ترکیه در سوی کشور ایران گردان ارتش ایستاده

[3]– نک: تاریخ بیست ساله ایران، ج6، ص146.

بودند و سرود ملی ایران و ترکیه نواخته شد. سپس همگان پیاده به آن سوی مرز در کشور ترکیه رفتند. ژنرال ارتش ترکیه علی سعید پاشا آیین پیش‌باز را به جای آورد و سرود ملی ترکیه و ایران نواخته شد. پس از انجام این آیین باشکوه، اعلیحضرت رضا شاه و کسانی که در رکاب ایشان بودند، با دیگر همراهان از کشور ترکیه رهسپار ارزروم شدند. در درازای راه تا ارزروم ژنرال‌های ترکیه، جنگ‌هایی که با روسیه در آن منطقه رخ داده بود را برای پادشاه ایران و همراهان بازگو کردند. سفر از ارزروم به ترابزون ادامه یافت و در ترابزون، توفیق روشتو بی وزیر امور خارجه، فرمانده ارتش و فرمانده نیروی دریایی ترکیه به پیش‌باز اعلیحضرت رضا شاه آمدند. در بندر ترابزون ناو جنگی یاووس لنگر انداخته بود. رضا شاه و همراهان بر روی کشتی یاووس رفتند، زمانی که اعلیحضرت بر روی عرشه کشتی آمدند، سرود ملی ایران نواخته شد و ۲۱ توپ برای بزرگداشت ورود اعلیحضرت رضا شاه به ترکیه شلیک شد. با این کشتی رضا شاه بزرگ و همراهان راهی شهر زیبای سامسون در کناره دریای سیاه شدند. با پهلو گرفتن ناو جنگی یاووس، از دیگر کشتی‌ها برای خوش‌آمد توپ شلیک شد و از همه کارخانه‌ها نوای سیرن و سوت به نشان خوش‌آمد شنیده شد. پس از این پیش‌باز باشکوه که قلب همه را فشرد، رضا شاه بزرگ ترن رهسپار آنکارا شدند.

۲۶ خرداد ماه ۱۳۱۳ رضا شاه پهلوی وارد آنکارا پایتخت ترکیه شدند و از سوی مصطفی کمال پاشا رییس جمهور ترکیه مورد پیش باز قرارگرفتند و سرود ملی ایران نواخته شد. برای نخستین بار پروتکل استاندارد بین‌المللی دیدار سران کشورها از یکدیگر، برای کشور ایران نیز به انجام رسید و شاهنشاه ایران با سرود ملی ایران و پرچم سه رنگ شیر و خورشید نشان ایران در کنار رییس جمهور ترکیه، ایران نوین را شناساندند.

۲۷ خرداد ماه ۱۳۱۳ رژه ارتش ترکیه در برابر رضا شاه و مصطفی کمال پرزیدنت ترکیه انجام شد.

۲۹ خرداد ماه ۱۳۱۳ رضا شاه در پارلمان ترکیه تشریف‌فرما شدند و نمایندگان برپا خاستند و چندین دقیقه با کف زدن و هلهله ورود اعلیحضرت را خوش‌آمد گفتند. سخنگوی پارلمان ترکیه کیازیم پاشا پشت تریبون قرار گرفت و گفت " برای ارج گذاری به اعلیحضرت رضا شاه پهلوی شاهنشاه ایران، قانونی در این روز تصویب خواهد شد که همانند مردم ایران که از سال ۱۳۰۴ می‌بایستی نام و نام فامیل برای خود برگزینند، مردم ترکیه نیز می‌بایستی که دارای نام فامیل شوند. قانون سجل احوال ترکیه با کف زدن‌های پیوسته تصویب شد و غازی مصطفی کمال از این روز مصطفی کمال آتاتورک یا پدر ترکیه نامیده شد.

۳۰ خرداد ماه ۱۳۱۳ تلگراف رییس پارلمان ملی کبیر ترکیه در مجلس شورای ملی از سوی حسین دادگر رییس مجلس شورای ملی خوانده شد.

عین تلگراف رئیس مجلس کبیر ملی ترکیه

حضرت میرزا حسین خان دادگر رئیس مجلس شورای ملی ایران

بمناسبت تشریف فرمائی اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران به ترکیه مجلس کبیر ملی ترک به اتفاق آراء تصویب نمودند که خود را ترجمان احساسات ملت ترک قرار داده به اظهار امتنان و شادمانی مجلس برادر ما ایران اسلام و محبتهای قلبی و آرزوی ملت ترک را در رفاهیت و سعادت ملت نجیب ایران ابلاغ نماید مرا مأموریت دادند که این احساسات را تبلیغ و با ایفای این وظیفه پر افتخار احترامات فائقه خود را بر آن بیفزایم.

رئیس مجلس ملی کبیر ترکیه – کاظم

***

۳۱ خرداد ماه ۱۳۱۳ رضا شاه و آتاتورک با ترن رهسپار ازمیر شدند. پاسی از نیمه شب گذشته، در میان راه ترن در ایستگاه اوشک درنگ کرد. مردم هلهله‌کنان به پیش‌باز رضا شاه و آتاتورک آمدند و گرد ترن را گرفتند، در میان پیش بازکنندگان، آتاتورک ملایی را با

عمامه و عبا دید، پرسید که او در میان مردم و اینجا چه می‌کند، آتاتورک دستور داد که ملایان تنها در مسجدها پروانه دارند که عبا بر تن و عمامه یا دستار بر سر بگذارند و بیرون از مسجد می‌باید با لباس سیویل میان مردم بیایند.

۳ تیر ماه ۱۳۱۳ نیروی هوایی ترکیه در پیشگاه رضا شاه نمایش‌های جالبی اجرا کردند که مورد توجه ویژه شاهنشاه قرارگرفت. رضا شاه پس از پایان مانور هواپیماهای ترکیه، تاج گلی بر آرامگاه مادر مصطفی کمال پاشا نهادند و سپس در آیین ویژه نظامی که از سوی واحدهای ارتش ترکیه برگزار شده بود، عملیات نظامی و رژه گروه‌های ارتش را تماشا فرمودند.

۴ تیر ماه ۱۳۱۳ آتاتورک رییس جمهور ترکیه میهمانی با شکوهی به افتخار ورود اعلیحضرت رضا شاه پهلوی در کازینو ازمیر برپا کرد. سپس رضا شاه و آتاتورک رهسپار شهر چاناق قلعه نزدیک تنگه داردانل شدند و به محل کارزار جنگ جهانی اول تشریف‌فرما شدند، جایی که مصطفی کمال بر ارتش استرالیا و انگلستان و فرانسه پیروز شد. از چاناق قلعه سفر با قایق به سوی استانبول انجام یافت. برای درنگ رضا شاه در استانبول کاخ دولماباغچه آماده شده بود. آپارتمانی که رضا شاه در کاخ به آن برای چندروز درنگ در استانبول وارد شدند، هرگاه که آتاتورک از آنکارا به

استانبول می‌رفت در آنجا می‌ماند و در همان تختی که رضا شاه در درازای درنگشان در استانبول خوابیدند، خوابید و رهبر ارجمند ترکیه در همان تخت در روز ۱۹ آبان ماه ۱۳۱۷ چشم از گیتی فروبست.

در روزهای پسین ارتش ترکیه، نیروی زمینی و هوایی از برابر اعلیحضرت رضا شاه پهلوی و آتاتورک رژه نظامی رفتند. در بیست و ششمین روز سفر اعلیحضرت رضا شاه و آتاتورک بدرود گفتند و معظم‌له به دیدار خود از ترکیه ادامه دادند.

۸ تیر ماه ۱۳۱۳ اعلیحضرت رضا شاه از موزه استانبول و مسجد ایاصوفیه بازدید فرمودند، سپس به کنسولگری ایران در استانبول تشریف فرما شدند و ایرانیان مقیم استانبول به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران رضا شاه پهلوی بار یافتند. دختران دانش آموز ایرانی یکی از سرودهای ملی ایران را گروهی خواندند. آن گاه بازرگانان ایرانی در ترکیه شرفیاب شدند و شاهنشاه به آنان فرمودند:

«احساسات من نسبت به ملت ترک، احساس یگانگی و برادری است و شما هم که در این کشور به سر می‌بَرید باید چنین احساسی داشته باشید.»

***

۱۴ تیر ماه ۱۳۱۳ نمایندگان مجلس شورای ملی ابراز گرایش به رفتن به مرز ایران و ترکیه برای پیش‌باز از اعلیحضرت رضا شاه پهلوی نمودند. حسین دادگر در پاسخ گفت:

بنده هم محض مزید استحضار خاطر محترم آقایان عرض می‌کنم که البته هم احساسات قلبی ماو هم بالخصوص برای هیئت دولت وظیفه و تکلیف این بود که در موقع مسافرت موکب ملوکانه مشایعت و در موقع تشریف فرمایی استقبال کنیم. لکن آقایان محترم سلیقه و عقاید اعلیحضرت همایونی را خوب میدانند و میدانیم که از هیچ نکته غفلت نمی‌فرمایند از این جهت قبل از عزیمت مخصوصاُ به هیئت دولت فرمودند من راضی نیستم نه مشایعت و نه استقبال کنید و البته میدانید که عقیده اعلیحضرت همایونی این است که بهترین طریق اظهار احساسات نسبت بوجود مقدس ایشان این است که کارکنان مملکت بوظائف خودشان مشغول باشند و البته مشایعت و استقبال بلکه استقبال به تنهایی یک هفته اقلا اوقات را مشغول خواهد نمود و اعلیحضرت همایونی راضی نشدند که ما یک هفته امور وظایف خودمان را معطل بگذاریم و به تشریفات بپردازیم. از این نظر که رسیدگی به کارهای مملکتی بهتر بود این امر را فرمودند و همانطور که آقای رئیس فرمودند از آنجایی که امر مبارک شاهنشاه اطاعتش واجب تر است ما هم از استقبال صرف نظر می‌کنیم این قسمت را برای استحضار

خاطر آقایان عرض کردم البته احساسات ما و احساسات ملت بجای خودش است هرکس در جای خودش هر طور که میل دارد ابراز می‌کند ولی ما از استقبال مطابق امر صریح ملوکانه ممنوع هستیم .

۲۰ تیر ماه ۱۳۱۳ سفر رضا شاه به ترکیه پایان یافت. آرمان سفر اعلیحضرت همایون رضا شاه پهلوی به ترکیه همکاری نزدیک نظامی و اقتصادی و سیاسی با کشور همسایه بود. با اینکه قراردادی میان دو کشور همسایه ایران و ترکیه بسته نشد، کشور ایران با ترکیه دوستی نزدیکی به سبب دوستی ژرف و نزدیک رضا شاه و مصطفی کمال آتاتورک پیدا کرد.

«مستشارالدوله» سفر کبیر ایران در ترکیه می‌گوید اولین اظهارات رضاشاه که حاکی از تأثیرپذیری وی در زمینه مشاهداتش از زنان ترکیه بود، جمله‌ای بود که شاه در عمارت حزب خلق ترکیه خطاب به وی بر زبان آورد. مستشارالدوله خاطره خود را در این زمینه برای سناتور صدیق اعلم چنین نقل کرده است:

شبی پس از پایان ضیافت رسمی باشکوه وقتی رضاشاه به عمارت حزب خلق که محل اقامت او در آنکارا بود مراجعت کرد تا پاسی از شب نخوابید و در تالار بزرگ خانهٔ ملت قدم میزد و فکر می‌کرد و گاه گاه بلند می‌گفت: عجب!عجب! وقتی چشمان شاه متوجه من شد که در گوشهٔ تالار ایستاده بودم فرمود: «صادق من تصور

PersianPDF.com

نمیکردم ترکها تا این اندازه ترقی کرده و در اخذ تمدن اروپا جلو رفته باشند. حالا می‌بینیم که ما خیلی عقب هستیم مخصوصاً در قسمت تربیت دختران و بانوان».

من در جواب رضا شاه عرض کردم: «قربان در سایه اعلیحضرت همایونی ترقیات عظیم نصیب ملت ایران شده است» رضاشاه جواب داد: «معذلک هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم مخصوصاً زنان اقدام کنیم.

رضا شاه ۲ سال پس از پایان سفر خود به ترکیه در آذر ۱۳۱۴ به محمود جم رئیس‌الوزرا چنین گفت:

نزدیک دو سال است که این موضوع ـ کشف حجاب ـ سخت فکر مرا به خود مشغول داشته است،خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنهای آنها را دیدم که «پیچه» و «حجاب» را دور انداخته و دوش بدوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک می‌کنند، دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است. اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است.

از دیگر پیامدهای سفر رضاشاه به ترکیه انعقاد پیمان «سعدآباد» در تهران ـ تیر ۱۳۱۶ ـ میان وزیران چهار کشور منطقه بود. به موجب این پیمان چهار دولت پادشاهی افغانستان، ایران، ترکیه و عراق در

زمینه یکسان سازی سیاستهای منطقه‌ای و حمایت از یکدیگر در صورت بروز خطر، متعهد شدند.

اسمعیل والی‌زاده در کتاب " خاطره‌ها " می‌نویسد:« اعلیحضرت در مرز ایران مهمان داران ترک را مرخص فرمودند و به ماکو تشریف‌فرما شدند . در آنجا جمعی از ملازمان که گرداگرد اعلیحضرت حلقه زده بودیم ، فرمودند : ما رفته بودیم با یک مرد بسیار بزرگ ملاقات کنیم. ما باید ملت خودمان را همان‌طور به درجات رشد و ترقی برسانیم که او ملت خودش را رسانیده است » و اقدام‌های بعدی نشان داد که رضا خان توجه مخصوص به ترکیه داشته و این دیدار اثر بسیار در ذهن وی بر جای گذاشته بود . حتی اندیشه مدرنیزاسیون ارتش نیز از جمله مواردی بود که از شیفتگی رضا شاه به مانورهای ارتش ترکیه برمی‌گشت او فخرالدین پاشا ، سردار ارتش ترکیه را برای بازرسی و اعلام نقص‌های ارتش ایران به ایران دعوت کرد و نظرات او در مورد ارتش ایران را پذیرفت .

ترکیه جدید و ایران بنا به سابقه در حدود مرزی خود نیز اختلافاتی داشتند که قرار شده بود هیأتی دو جانبه مذاکره و اختلافات را حل و فصل نماید ، سرلشکر ارفع ، افسر سواره نظام از طرف ایران و رشدی آراس که از طرف ترکیه در مذاکرات شرکت کرده بودند.

طی ضیافت شام کنسولگری ایران در استامبول، رضا شاه خطاب به میهمانان ایرانی کنسولگری چنین گفت :دو عامل خوشحالی من در این سفر وحدت بالای میان ملت ترکیه و ایران است ، از این به بعد باید ترکیه را وطن دوم خود و ترک‌ها را برادران خود بدانید. می‌خواهم دوستی‌ها جای کینه‌ها را که عاملش جهل و مذهب بود، بگیرد و ... »

قراردادهای امضا شده در سفر رضاشاه به ترکیه عبارتند از:

۱) عهدنامه امنیت منطقه سرحدی و تسویه حوادث و اختلاف که در منطقه مذبور به ظهور می‌رسید.

۲) عهدنامه تجاری و دریانوردی

۳) عهدنامه تعاون قضایی در مسائل مدنی و تجاری

۴) عهدنامه استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی

۵) عهدنامه موقت

۶) موافقتنامه برای تنظیم طرز عمل دفاتر گمرک سرحدی ایران و ترکیه

۷) موافقتنامه مخصوص راجع به دایرکردن پاره‌ای خطوط تلگرافی و تلفنی

۸) موافقتنامه پزشکی

۹) موافقتنامه اصلاح خط سرحدی.

در روز ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۳ وزیر امور خارجه آقای باقر کاظمی درباره سفر اعلیحضرت همایون رضا شاه پهلوی و دست‌آوردهای این سفر برای دو ملت ایران و ترکیه سخنانی ایراد کرد.

دلایل سفر رضاشاه به ترکیه

اساس سیاست خارجی ترکیه در دوره آتاتورک بر برقراری روابط دوستانه باهمسایگان بنا یافته بود. ایران مهم‌ترین کشوری بود که به این بنیان سیاست خارجی توجه نشان داد. سیاست خارجی‌ایران در دوره رضاشاه بر اساس به دست آوردن آزادی اقتصادی و سیاسی و حفظ تمامیت ارضی استوارشده بود و بر این اساس نیز به همسایگان که نیت دوستی داشتند سعی در برقراری رابطه‌ای دوستانه بود .

بعد از جنگ‌های بسیاری که این دو کشور در طول تاریخ باهم داشتند در این دوره جدید احترام متقابل را آموخته بودند. ترکیه توجه جدی‌ای به تاج‌گذاری رضاشاه داشت و بعداز این واقعه آن را به‌سرعت به رسمیت شناخت و آتاتورک خوشحالی خود را به‌واسطه تلگرافی بیان داشت .

بعد از قرارداد مودت و امنیت که ایران و ترکیه در سال ۱۹۲۶ با یکدیگر امضا کردند رابطه این دو کشور به‌صورت جدی‌تری گسترش یافت. بعد از امضای این قرارداد بود که رضاشاه در روزنامه‌های داخلی و خارجی از احتمال سفر به ترکیه سخن گفت .

رضاشاه پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری ترکیه را به‌واسطه تلگرافی تبریک گفت. آتاتورک نیز در پیامی به مورخه ۱۹۲۸/۱۰/۳۰ این پیام را چنین پاسخ گفت:

«به حضرت رضا پهلوی

تشکرات قلبی خود را از تبریک ملوکانه آن جناب به مناسبت عید ملی ترکیه تقدیم داشته و رفاه و سعادت ایران را از جان تمنی می‌کنم.

رئیس‌جمهور ترکیه

قاضی م. کمال»

همچنین چند سال بعد آتاتورک در تلگرافی دیگر تولد رضاشاه را به وی تبریک گفت

«از رئیس‌جمهور ترکیه قاضی مصطفی کمال

به حضرت رضاشاه پهلوی

آنکارا، ۱۹۳۲/۰۳/۱۴

به مناسبت سالگرد ولادت ذات شاهانه صمیمی و برادرانه‌ترین احساسات خود را تقدیم داشته و تبریکات خود را به اشتیاق فراوان تقدیم کرده و سعادت شخصی ذات شاهانه و رفاه حال ملت دوست ایران را مسئلت دارم.

قاضی م. کمال»

رضاشاه تلگراف فوق را در ۱۹۳۲/۰۳/۱۷ چنین پاسخ داد

«از شاه ایران رضا پهلوی به

رئیس‌جمهور ترکیه قاضی مصطفی کمال

تهران ۱۹۳۲/۰۳/۱۷

مراتب تشکر خود را به سبب تبریکاتی که از ذات دولت‌مدار خود به مناسبت روز ولادتم بر من ابراز داشتند و تمنیات متقابل خود را ابراز می‌دارم.

رضاشاه پهلوی»

در اواخر ۱۹۳۲ مصطفی کمال به خسرو بیگ سفیر ترکیه در ایران اعلام کرد که بعدازانعقاد قرارداد مرزی می‌خواهد با شاه ایران آشنا

شود اما دیدار برای وی تنها در مرز دو کشور مقدور است. خسرو بیگ این درخواست را در مردادماه به شاه ایران انتقال داد. رضاشاه زمانی که از این خواسته مطلع شد عنوان کرد که «من اساساً خواهانم که با حضرت قاضی در آنکارا و در جایگاهشان زیارتی رسمی به عمل‌آورم. اما این خواسته را دو یا سه سال بعد می‌توانم محقق کنم. اگرچه با فکر ایشان مبنی بر دیدار در مرز نیز موافقم. به‌هرروی منتظر اشارتی از حضرت قاضی هستم».

در سال ۱۹۳۳ زمانی که خسروبیگ با رضاشاه دوباره دیدار کرد به شاه زیارت از ترکیه را مجدداً به خاطر نشان شد. رضاشاه در پاسخ گفت «من انسان بسیار صبوری هستم اما در دو مورد طاقتم طاق شده است اول دیدن پسرم در اروپا و دیگر دیدن دوستم مصطفی کمال و آشنا شدن با او. برای انجام چنین امری حدود ۱۸ ماه بعد یعنی در تابستان سال بعد، اول به آنکارا رفته و با قاضی کمال دیدار رسمی خواهم داشت و بعد به صورت خصوصی به سوئد رفته و پسرم را خواهم دید. جز این ها دیگر قصد دیدار از هیچ کشور اجنبی را ندارم. اگر وضعیت سیاسی مساعد باشد زیارتم را با خوشحالی در آن زمان ترتیب خواهم داد».

خسروبیگ این بیانات را به صورت گزارشی به آنکارا فرستاد. آنکارا بعد از دریافت گزارش، از این بیانات بسیار استقبال کرد. دعوت نامه

های رسمی به رضاشاه فرستاد. در پاسخ رضاشاه عنوان کرد که در ماه می با حرکت از ایران و از طریق مرز نصیبین به ترکیه خواهد آمد. خسرو بیگ اما در پاسخ علت انتخاب مسیر بغداد به جای کرکوک را جویا شد. رضاشاه در پاسخ گفت که ما نیز سیاستی را که آتاتورک در مقابل همسایگان کوچک انجام داده است را ادامه میدهیم و با کشورهای کوچک رفتار دوستانه داریم. با رفتن به بغداد می خواهیم که پادشاه جوان را ببینیم و بعد به ترکیه بیایم. دیدار از این دو کشور تنها دیدار رسمی ما خواهد بود.

خسرو بیگ بیانات رضاشاه را تصدیق کرده و این دیدار را اول برای آتاتورک و بعد برای تمام ملت ترک حائز اهمیت دانست و آن را رویدادی تاریخی قلمداد کرد که میان دو مرد بزرگ شرق روی خواهد دارد. این دیدار که در آنکارا انجام خواهد شد در راستای استقرار امنیت در شرق بسیار مهم است. همچنین خسروبیگ عنوان کرد که در این سال‌ها ارتش ایران پیشرفت قابل توجهی داشته است و باید میان ارتش دو کشور نیز روابط جدی برقرار شود. بر این اساس رضاشاه گفت که در طی زیارت خود برخی از افسران ارتش را نیز با خود به آنکارا خواهد آورد و با آتاتورک در راستای برقراری روابط نظامی میان ایران و ترکیه مذاکره خواهد کرد.

خسروبیگ در گزارشی که برای آنکارا فرستاد یادآور شد رضاشاه به سبب پیشینه نظامی خود به امور نظامی علاقه مند است از سوی دیگر رضاشاه به خاطر داشتن باغ های فراوان شخصی به کشاورزی و مدرنیزه کردن آن اهمیت می دهد. همچنین وی عنوان داشت که جز این دو مورد باید امکان زیارت وی از مکان های بهداشتی نیز در این سفر فراهم شود.

رضاشاه در تاریخ ۲۹/۱۰/۱۹۳۳ در دهمین سالگرد تأسیس جمهوریت ترکیه تلگراف تبریکی برای آتاتورک فرستاد.

«از شاه ایران رضا پهلوی به

رئیس‌جمهور ترکیه قاضی مصطفی کمال

تهران۲۹/۱۰/۱۹۳۳

در این عید ملی ترکیه با کمال مسرت تبریکات صمیمی خود را تقدیم داشته و بر ذات فخیمه تان سعادت و برای ملت دوست ترقی ای از هر جهت را از خداوند مسئلت دارم.

رضا پهلوی»

دو روز بعد آتاتورک این نوشته را چنین پاسخ داد

«از رئیس‌جمهور ترکیه قاضی مصطفی کمال

به حضرت رضاشاه پهلوی

آنکارا، ۰۱/۱۱/۱۹۳۳

مراتب تشکر خود را به سبب تلگراف همایونتان تقدیم داشته و در زیر سایه تان آرزوی رفاه و سعادت ملت دوست ایران را دارم

قاضی م. کمال»

در مناسبت های مختلف این دو دولتمرد برای تبریک و یا تسلیت برای یکدیگر تلگراف فرستاده اند. اما از آوریل ۱۹۳۴ رضاشاه برای سفر به ترکیه شروع به مذاکره کرد. بر این اساس خسرو بیگ علاوه بر توصیه های قبلی خود موارد زیر را متذکر شد

«۱- رضاشاه شب زود خوابیده و صبح زود از خواب بیدار می شوند. اعلیحضرت ساعت ۵ صبح از خواب بیدار شده و ساعت ۶ صبحانه می خورند. صبحانه اش مواد ساده ای مانند چای بیسکویت و مربا است. بین ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۲ نهار خورده و بین ساعت ۷ و ۸ شام میل می کنند. شب ساعت ۱۰ یا ۱۱ می خوابند.

۲- به سبب رعایت پرهیز مختصری و الی الخصوص در سفر غذای سبک می خورند. در سفره آب خوب، آب معدنی و شراب مختصری میل می کنند. ایشان به الکل معتاد نبوده و بر اساس توصیه حکیم بد نیست که برای ایشان در سفر نوشیدنی ای مانند کنیاک فراهم

کنیم. بهتر است از سبزیجات و کمپوست ها پرهیز شود اما لاجرم باید از کمپوت در سفر استفاده کرد.

۳- از آنجایی که در طول سفر ادوات و لوازم پذیرایی در نواحی مختلف فراهم نیست، بهتر از خودرویی از برای این وسایل فراهم آوریم.

۴- شاهنشاه بر آن است که در تمام طول سفر در اتومبیل شخصی خود حرکت کند.

اگر آن چه گفتم رعایت شود و تدبیر رنگ بدون اهمال انجام شود شاید اینگونه زحماتی که در آغاز سفر وجود دارد تخفیف یافته در عین حال راحتی سفر و برنامه ریزی آن آسان تر گردد. یعنی در هر کار باید توانایی مدنی خود را مهمان پروری خود را نشان دهیم.
۱۹۳۴/۴/۷

سفیر کبیر تهران

ر. خسرو»

دولت ایران به خسروبیگ خبر داد که در دهم ژوئن رضاشاه از مرز زمینی ایران وارد ترکیه خواهد شد. بر اساس این خبر ترکیه جزییات برنامه سفر را به ایران اعلام کرد و این برنامه در مجلس ایران قرائت شد:

«در قدیم به خاطر بعضی اختلافات و وجود برخی قراردادهای تصنعی میان ملتهای ایران و ترکیه اختلاف وجود داشت. این اختلاف ها صدها سال به طول انجامید و برای هر دو کشور ضرر های جدی ای پدید آورد. هزاران شکر که در ایران و ترکیه جدید مردمانی رهبری را برعهده گرفته اند که صاحب دانش و توانایی و عزم هستند. شاهنشاه و مصطفی کمال خواسته های شخصی خود را به کناری نهاد و در راستای ترقی کشور در تلاش هستند. این رهبران به درستی دریافته‌اند که بین ایران و ترکیه عدم تفاهمی وجود ندارد. از اینرو با اتخاذ سیاست دوستی و برادری اختلاف ها را از میان برداشتند. امروز این دو رهبر برای قوام بخشیدن به این دوستی عزم دیدار هم کردند. رضاشاه مقرر فرموده اند که با عبور از آذربایجان وارد خاک ترکیه شوند و در حدود دو هفته در ترکیه مسافر باشند. بی شبهه دیدار این دو رهبر و آشنایی آن‌ها با هم، سبب ایجاد روابط گرمی میان دو دولت خواهد شد و نتیجه خواسته شده را به زیاده فراهم خواهد کرد.»

بعد از نخست‌وزیر، رئیس مجلس نیز سخنرانی ای با همان مضمون ایراد کرد و این مسافرت را گواهی برای بهبود روابط میان این دو کشور دانست.

همزمان با این سفر گمانه زنی ها درباره چگونگی این سفر بالا گرفت. برخی از روزنامه های داخلی ایران منظور دقیق رضاشاه از این مسافرت را مورد پرسش قرار داده و مقصود ترک‌ها از این دعوت را نامشخص عنوان کردند . اما عموم صاحب نظران معتقد بودند در زیارتی که انجام خواهد شد رضاشاه و آتاتورک در کنار مسائل مختلف سیاست جدیدی که باید در خاورمیانه اتخاذ شود را نیز گفتگو می کنند.

***

همان طور که اشاره شد در ساعت ۲/۳۰ دقیقه بعد از ظهر سه شنبه ۲۶ خرداد ۱۳۱۳ خورشیدی قطار حامل رضا شاه و ۱۸ نفر از همراهانش بعد از طی یک مسیر طولانی، در راه‌آهن آنکارا ایستاد؛ آیین استقبال به افتخار رضا شاه و هیأت همراه با برافراختن پرچم‌های دو دولت جدیدالتأسیس ایران و ترکیه و ادای احترام گارد مخصوص، شروع به نواختن سرودهای ملی دو کشور کرد. جمعیت انبوهی برای خوشامدگویی به رضا شاه که مطبوعات ترکیه از او به (مهمان بزرگ ما) نام برده بودند، ایستگاه آنکارا و پیرامون آن را پر کرده بود.

با پیاده شدن رضا شاه و هیأت همراه از قطار، مصطفی کمال آتاتورک و اکثر اعضای بلند پایه حکومت ترکیه که بر سکویی به

انتظار ایستاده بودند، به آنان خوشامد گفتند. در میان مراسم استقبال، گارد احترام ۲۱ تیر توپ شلیک کرد و در یک طرف هم انبوه پیشاهنگانی قرار گرفته بودند که با لباس‌های متحدالشکل و آرایش ویژه صف‌آرایی کرده بودند، به اجرای سرود پرداختند؛ به محض آن که رضا شاه از قطار پیاده شد، آتاتورک از او استقبال کرد و دو نفری از برابر گارد احترام و صفوف پیشاهنگان عبور کردند و در برابر جمعیتی که در جلوی ایستگاه گرد آمده بودند، به سخنرانی کوتاهی پرداختند. سپس از آنجا به سوی اتومبیل روبازی که انتظارشان را می‌کشید رفتند و سوار شدند. در مسیر حرکت اتومبیل از ایستگاه تا کاخ مردم ـ محل اقامت رضا شاه و هیأت همراه ـ دو رئیس کشور در عقب اتومبیل کنار هم نشسته بودند و به ابراز احساسات مردمی که در طول خیابان‌های پایتخت صف کشیده بودند، پاسخ می‌گفتند.

رضا شاه و هیأت همراه بعد از گشتی در پایتخت و دیدار از تمام مراکز عمومی شهر که با پرچم‌های ایران و ترکیه آذین شده بودند، در ساعت ۸ بعد از ظهر همان روز به اقامتگاه آتاتورک در آنکارا رسیدند. در جشن پذیرایی شام به افتخار رضا شاه ۴۸ مهمان دعوت داشتند که بسیاری از آنان دیپلمات‌های خارجی مقیم ترکیه بودند. این شام نخستین فرصت را در اختیار دو رئیس کشور نهاد تا زمانی را در کنار همدیگر بگذرانند و همه گزارش‌ها حاکی از آن بود که به

سرعت با یکدیگر دوست شدند. آشنایی رضا شاه به زبان ترکی آذربایجانی به هر دو امکان داد که بیشتر مواقع بدون نیاز به مترجم و مستقیماً با همدیگر گفتگو کنند.

در این مراسم مصطفی کمال در سخنانی گفت: «ما با شادی فراوان ورود اعلیحضرت همایون رضا شاه رهبر ملت برادر خود را به ترکیه خوش آمد می‌گوییم. حضور اعلیحضرت مایه افتخار تمام ملت ترکیه است. دو ملت در تاریخ خود گاه دوره‌های بسیار دشواری را تجربه کرده‌اند. با این حال هرگاه با یکدیگر همکاری داشته‌اند پیشرفت نموده‌اند. جمهوری ترکیه داشتن روابط خوب با ایران را کانون سیاست خود می‌داند... ترکیه و ایران هزاران سال تمدن‌های والایی داشته‌اند و امروز با گام‌های بزرگ پیش می‌روند... و با حضور اعلیحضرت در این جا دوستی دو ملت برادر روز به روز افزایش می‌یابد... و بی تردید تمدن جهانی از این امر استقبال خواهد کرد... و ملت‌های ما راه صلح را ادامه خواهند داد که بخشی از صلح جهانی است که به آن امیدواریم...»

رضا شاه نیز در پاسخ به مصطفی کمال، در حضور مهمانان داخلی و خارجی و از جمله سفیر بریتانیا از جای خود بلند شد و خطاب به جمع حاضرین طی سخنانی گفت: «دوست بزرگ و برادر عزیز، رئیس جمهور محترم جمهوری بزرگ ترکیه: محبتی که ملت ترکیه

ضمن پذیرایی از من ابراز داشت، بر من اثری پایدار گذاشت. از اولین روز پادشاهی‌ام احساس کردم به دوستی با ترکیه نیاز دارم و به همین دلیل خوشحالم و می‌بینم که اکنون صمیمانه‌ترین روابط میان ترکیه و ایران وجود دارد. این دو ملت همسایه و برادر می‌توانند به سوی ترقی و تمدن پیش بروند....»

***

ماه ها قبل از انجام سفر رضاشاه طرف ترکیه شروع به انجام آمادگی های سفر کرده بود. آتاتورک خواهان آن بود که استقبال باشکوهی از رضاشاه انجام گیرد و از این رو تلاش جدی ای در برخی از بخش های دولت برای استقبال و مهمانداری از رضاشاه انجام گرفت. برای پذیرایی از رضاشاه و ۳۲تن همراه او که در ماه ژوئن به ترکیه سفر خواهد کرد بودجه ای هم از تخصیصات سال ۱۹۳۴ و هم از هزینه های سال بعد در نظر گرفته شد .

رییس ستاد ارتش، گزارشی از راه‌های احتمالی ای که رضاشاه از آن‌ها عبور خواهند کرد را فراهم کرده و آن را به وزارت امور خارجه تقدیم کرد. در این گزارش راه‌های احتمالی به دو قسمت جنوب و شمال تقسیم شدند و در آن وضعیت جاده ها بررسی و برای رفع برخی خرابی ها لزوم انجام اقدامات لازم گزارش شده است. رییس

ستاد بعد از برشمردن ویژگی جاده ها عنوان کرد که بهترین مسیر انتخاب جاده های شمالی است .

بر این اساس در جاده ها و شهرهای شمالی منتهی به آنکارا (ایغدیر، کارس، ارزروم، گوموش خانه، ترابزون) که در مسیر حرکت رضاشاه بودند شروع به انجام تعدیلات جدی ای شد. جاده ها و کوچه ها تعریض شدند و میدان‌هایی در شهرها ساخته شدند و پرچم های هر دو کشور نصب گردید. همچنین برای رضاشاه از بهترین توتون های منطقه هدیه ای فراهم آمد. تعدیلات مشابهی در محل اقامت رضاشاه در استانبول و آنکارا انجام شد و پرچم هر دو کشور در شهرها نصب گردید و هتل Pera Palas در استانبول برای ورود رضاشاه آماده سازی شد. همچنین قصر دولماباغچه نیز برای اقامت رضاشاه آماده گردید. در آنکارا نیز Halkevi (خانه مردم) برای اقامت رضاشاه آماده شد .

رضاشاه قبل از سفر به ترکیه طی نامه ای عنوان کرد که قدش حدود دو متر است و از این رو نمی خواهد که در هتل اقامت کند. بر این اساس نیز برنامه ریزان سفر امکان اقامت وی را در «خانه مردم» فراهم کرده و تخت جدیدی برای آنجا سفارش دادند. آتاتورک شخصا اتاقی که رضاشاه در آن اقامت خواهد کرد را کنترل

نمود و دستور بازسازی جاده های منتهی به سفارت ایران در آنکارا را صادر کرد .

همچنین برای تقدیم به رضاشاه مدالی که در یک طرف آن عکس رضاشاه و در طرف دیگر آن عکس مصطفی کمال حک شده بود از سوی زینال بیگ که طراح مدال دهمین سال جمهوریت نیز بود ساخته شد. در کایسری نیز برای تقدیم به رضاشاه هواپیمایی مونتاژ شد و متناسب با آن خلبانی آماده و به وی برای ورود به ایران پاسپورتی داده شد .

همزمان با این آمادگی های فیزیکی هیئتی نیز برای استقبال از رضاشاه مشخص شد که در میان آن‌ها، بخشی از اعضای وزارت خارجه، یک مهندس و یک روزنامه نگار نیز حضور داشت؛ سفیر ایران در آنکارا نیز جزو این هیئت بود و در هماهنگی با آن‌ها عمل می‌کرد. سرکنسول ایران در ترابزون نیز همراه با این عده بود. مقرر بود که طرف ایرانی برای استقبال از رضاشاه در ماکو منتظر ورود شاه باشند.

***

از رویدادهای مهمی که طی اقامت رضا شاه در آنکارا اتفاق افتاد، تشکیل ضیافت‌هایی بود که به افتخار او توسط روستو ـ وزیر

خارجه ـ عصمت اینونو ـ نخست وزیر ـ و کاظم پاشا ـ سخنگوی مجلس ـ داده شدند.

اینونو در جریان بازدید رضا شاه از مجلس ملی بزرگ ترکیه طی سخنانی گفت: «اعلیحضرت به شما خوش آمد می‌گوییم. مردمی که با دیدن شاه چنین شور و اشتیاقی از خود نشان دادند، در واقع محبت خود را به ملت ایران نمایاندند. ملت ترکیه که به تازگی از یک دوره ستیزه‌جویانه رهایی یافته، می‌داند که ایران استقلال خود را با بزرگی و مبارزه کسب کرده است. عزم راسخ داریم اکنون که هر دو ملت نیرومند و استوار هستند، راه پیشرفت و معرفت را بپیمایند و این دو را نیز به بهترین وجه کسب کنند. همه این آیین‌ها به جامعه بین‌المللی می‌فهماند که هدف ما این است، زیرا آن چه گفته شد با احساس و اعتقاد بود...»

پس از سخنان عصمت اینونو، رئیس مجلس ملی پشت تریبون رفت و اعلام کرد مجلس ملی بزرگ ترکیه هم اکنون مراتب دوستی خود را به مجلس شورای ملی ایران تلگراف کرده است.

در روزهای پایانی اقامت رضا شاه در ترکیه، کنسولگری ایران ضیافتی از سوی جماعت ایرانیان مهاجر به استانبول ترتیب داده بود. رضا شاه در حالی که در برابر انبوه ایرانیان مقیم استانبول ایستاده بود، چنین گفت: «چیزی که در این سفر باعث خوشحالی

فراوان من شده، وحدتی است که میان ملت‌های ترکیه و ایران نشان داده می‌شود. از این به بعد شما باید فکر کنید که ترکیه وطن دوم شماست و ترک‌ها برادران شما هستند. با آنها ابراز دوستی کنید. آرزو دارم در طول سلطنتم بدگمانی‌ها و کشمکش‌هایی که دو دولت را در خود غرق کرده و از هم جدا می‌ساخت، کنار گذاشته شود. می‌خواهم آن دوستی جای دشمنی را که معلول جهل و ناآگاهی بود بگیرد. امیدوارم از این پس این دو ملت با سازگاری دست به دست هم بدهند و به یکدیگر اعتماد کنند و با هم به زندگی و همزیستی در شادی و ترقی بگذرانند.»[۴]

[4]- نک: روزنامۀ اطلاعات، ۲۸ خرداد ۱۳۱۳خ؛ جمهوریت، ۱۱ حزیران ۱۹۳۴م؛ سالنامه پارس، ۱۳۱۴خ، ص ۸۸؛ رضا شاه در آینه خاطرات، ص ۶۵؛ زندگی پرماجرای رضا شاه، ص ۳۶۶.

بازتاب سفر در روزنامه‌های ترکیه

در راستای سفر رضاشاه به ترکیه، در روزنامه های ترکیه خبرهای مختلفی نقل شده است و حتی خسرو بیگ برخی از این اخبار را به فارسی ترجمه و در ایران چاپ کرده است. در اخبار نوشته شده به حضور رضاشاه در ۹ ژوئن در ماکو و ورودش به ترکیه در دهم ژوئن و استقبال از او در قوربولاغ اشاره شده است. آن‌ها حتی جزئیات سفر رضاشاه در آنکارا را نیز بیان کرده‌اند. رضاشاه بعد از ورود به آنکارا توسط آتاتورک مورد استقبال واقع شده و بعداز آن استراحت کرده و شب هنگام ضیافتی به مناسبت حضور وی از سوی رئیس‌جمهور ترتیب داده خواهد شد. پیش از این آوردم در این ضیافت نطقی از سوی آتاتورک بیان شده و رضاشاه نیز نطق دیگری ایراد کرد. بعد از دیدن توانایی های نظامی ترکیه رضاشاه آنکارا را در روز سه شنبه به مقصد استانبول ترک گفت. ایشان دو

روز در استانبول ماند و بناهای دیدنی استانبول را زیارت کرد. اگرچه خود ایشان درخواست کرده‌اند که یک هفته در استانبول اقامت کنند. احتمال آن وجود دارد که رضاشاه به اسکی شهیر رفته و از کارخانه ها و از کارخانه لوکوموتیف سازی و هواپیماسازی بازدید کنند . باور عمومی بر آن است که رضاشاه در ترکیه به مدت ۱۲ روز اقامت خوهد کرد. در این خبرها نحوه استقبال از شاه و جزییات آن نیز جای گرفته است. همچنین نحوه محافظت از شاه نیز بخشی از این گزارش ها را شامل می‌شود.

بازتاب سفر در جراید خارجی

در ۱۵،۵،۱۹۱۳ روزنامه «اطلاعات» در تهران با ابراز ناراحتی از نبود رضاشاه در کشور بیان داشته که این سفر اسباب تقویت روابط دو کشور خواهد شد. روزنامه «کوشش» نیز از این خبر اظهار مسرت کرده و نوشته است که از زمان حلول خاندان جلیله پهلوی در ایران شاهد پیشرفت و ترقی در عرصه های معنوی و مادی هستیم. این روزنامه با اشاره به روابط تیره دو کشور در گذشته، سعادت هر دو ملت را در همکاری و مودت دانست. روزنامه «کوشش» به پیشرفت‌های ایجاد شده در هر دو کشور اشاره کرده و عامل آن را روح جدیدی دانسته که در این دو کشور حلول کرده است. به تعبیر نویسنده «جای شک نیست که این تغییرات در سایه مصطفی کمال در ترکیه و رضاشاه در ایران صورت گرفته است».

PersianPDF.com

روزنامه‌های انگلیس نیز با پوشش اخبار مربوط، بیان کرده اند که این سفر آبستن اتفاق های مهمی برای هر دو کشور است. در این خبرها موضوعات احتمالی مورد بحث وضعیت تجارت، راه‌های مواصلاتی، ایجاد خط راه‌آهن میان دو کشور خواهد بود. علت توجه به وضعیت راه‌های دو کشور در این روزنامه‌ها شرایط سخت حرکت در جاده های دو کشور دانسته شده است. چراکه در سریعترین وضعیت یک نامه طی یک هفته از استانبول به تهران می رسد. در اخبار دیگر انگلیس آمده است که روسیه از دیدار این دو رهبر ناراحت است، در حالی که این اتفاق را موفقیتی برای نخست‌وزیر انگلیس دانسته است .

بالاخره رضا شاه پهلوی بعد از ۲۶ روز اقامت در ترکیه و انجام پاره‌ای مذاکرات در مسائل اختلافی میان ایران و ترکیه و حل آنها، به ایران بازگشت و این سفر دوران کشمکش‌های سیاسی و جغرافیایی را که میان ایران و عثمانی سابقه‌ای چندین ساله داشت، پایان داد و دوران جدیدی میان دو کشور بر اساس اصول روابط دیپلماتیک بین‌المللی و حفظ حسن همجواری در منطقه بنیان نهاد.

***

روزنامه مورنینگ پست در شماره ۱۲ اکتبر ۱۹۲۴(۲۰ مهر ۱۳۰۳) در مقاله‌ای، نوشته است: «رضاخان نسبت به کارهای بزرگ و

عملیات نظامی همسایه ترک خود، مصطفی کمال، بسیار شیفته شده و در تقلید از برنامه سیاسی او نیز تردیدی به خود راه نداده است.» یک سال بعد، همین روزنامه در مقاله‌ای باعنوان «سوابق رضاخان و هم چشمی او با مصطفی کمال»، پیش‌بینی سیاسی خود را تحقق یافته دیده و نوشته است: «رضاخان پس از ارتقا به نخست‌وزیری، موافقت قطعی خود را با جمهوریت اعلام و خود را نامزد ریاست حکومت کرد؛ ولی بر اثر مخالفت علما، اقدام او موقتاً عقیم ماند ... با وجود این، او تحت تأثیر روش همتای خود، مصطفی کمال پاشا، در ترکیه قرار دارد.» سرمقاله‌نویس روزنامه «مورنینگ پست» می‌افزاید:«با این حال، همین که خطر بلشویک از میان برود، رضاخان رویکردی مانند ترکیه در پیش خواهد گرفت؛ اما مطمئناً گام‌های وی در ابتدا، محافظه‌کارانه و آرام‌تر خواهد بود.» در بخش دیگری از این گزارش آمده است: «پس از ورود وی به ترکیه، ظواهر غربی این کشور، رضاخان را بیش از پیش مجذوب اقدامات مصطفی کمال کرد. پهلوی اول پس از این سفر، مصمم شد در بازگشت به ایران، روند غربی سازی جامعه را تسریع کند. او در ضیافت شامی که از سوی آتاترک و به افتخار ورود وی برگزار شده بود، نطقی ایراد و در آن ذهنیت خود را درباره اقدامات همتایش در آناتولی، بیش از پیش آشکار کرد:«مدت‌هاست با کمال خوشوقتی، ناظر ترقیات عظیم ملت دوست و هم جوار خود هستم و

لزوم دوستی با ترکیه را احساس می‌کنم و به همین مناسبت، خوشبختانه امروز می بینم که این دوستی، در آتیه از هر تزلزلی مصون خواهد بود و دو ملت همسایه و برادر، می‌توانند با کمال اعتماد و اطمینان، به یکدیگر متکی باشند و وظیفه خود را که ادامه ترقیات و توسعه تمدن است، ایفا کنند.»

***

در گزارش مطبوعات و نویسندگان ترکیه، سفر رضاشاه دارای اهمیت دیپلماتیک و فرهنگی خوانده شده و دیدار دو رهبر نوگرای ایران و ترکیه سرآغاز دوران معاصر ملت های همسایه و دوست ترکیه و ایران گفته شده است؛ به نوشته طارق سایغی سفر رضاشاه به ترکیه رویداد مهم تاریخی و دیپلماتیک در روابط میان ایران و ترکیه است. رضاشاه که سال‌ها اصلاحاتی که مصطفی کمال در ترکیه انجام داده بود را در ایران انجام می‌داد، برای دیدن وضعیت جمهوری ترکیه که اثر آتاتورک است به این کشور سفر کرد.

شاه ایران در تاریخ ۱۹۳۴/۰۶/۰۲ بر اساس دعوت آتاتورک تهران را ترک کرد و این اولین سفر خارجی رضاشاه بود. بدین واسطه ایران و ترکیه که دوره‌ای طولانی در جنگ بودند سیاست جدیدی را پیش گرفتند.

رضاشاه به همراه کاظمی وزیر امور خارجه، سه جنرال، هشت افسر، و پنج مأمور اداری، یک دستیار و یک روزنامه‌نگار از تبریز حرکت کرد و سه روز بعد در تاریخ ۱۹۳۴/۰۶/۱۰ ساعت ۹ صبح در منطقه قوربولاغ با پیام «خوش‌آمدید» که به فارسی نوشته‌شده بود وارد کشور ترکیه شد . بعد از گذر از مرز خسرو بیگ سفیر ترکیه در ایران و صادق خان سفیر ایران در آنکارا رضاشاه را همراهی کردند . برای خیرمقدم گویی به رضاشاه از طرف دولت ترکیه هیئتی چهارنفره برای استقبال حاضرشده بود. علی سعید پاشا در مراسم استقبال از رضاشاه که در آن سرود ملی هر دو کشور به صدا درآمد و ۲۱ توپ شلیک شد متن زیر را قرائت کرد:

«با کسب اجازه از رئیس‌جمهور ترکیه و فرمانده کل قوا قاضی مصطفی کمال و به نام حکومت جمهوری ترکیه به ذات شاهنشاه «خوش‌آمد» گفته و با احترامات فائقه مراتب احترام خود را عرض می‌دارم. قاضی بزرگ ما مرا به همراه دیگر اعضا مأمور میهمان‌داری از شما کرده‌اند. اما متأسفانه فخرالدین پاشا از اعضای هیئت به علت ناخوشی در جمع ما حضور ندارد و درراه به ما ملحق خواهد شد و از این‌که از سعادت استقبال از شما محروم مانده متألم است».

کاروان سفر از سوربهان مستقیماً به ارزروم حرکت کرد و ظهر در شهر بایزید از سوی هیئتی نظامی مورد استقبال قرار گرفت . در اینجا رضاشاه به تنهایی و دور از هیئت همراه نهار را صرف کرد. ساعت ۴ عصر کاروان به شهر ایغدیر رسید و در اینجا نیز به‌واسطه یک هیئت نظامی از وی استقبال به عمل آمد. در این مراسم مردم محلی نیز شرکت گسترده‌ای داشتند. در مقابل رضاشاه نیز بعد از سلامی نظامی از مردم و هیئت استقبال تشکر کرد. از میان کوچه‌هایی که با پرچم‌های ترکیه و ایران تزیین‌شده بود و در هنگامی که مردم برای او کف می زدند رضاشاه به مکانی که برای وی در نظر گرفته‌شده بود رسید. عصر برای ۷۰ نفر غذا داده شد و رضاشاه در خانه علی بیگ عضو مجلس شورای ملی ترکیه مستقر شد. روز بعد در طی مسیر که نزدیک مرز روسیه در جریان بود رضاشاه از سدسازی‌های در حال انجام منطقه و معادن طلا دیدن کرد. مهندس هادی بیگ و علی سعید پاشا شارحان این سازه‌ها بودند. رضاشاه از هادی بیگ خواست که تا برگشت او اگر در این منطقه طلایی یافت شد نمونه‌ای برای او کنار بگذارد. همچنین رضاشاه به وی گفت که «در ایران نیز مناطق مشابهی وجود دارد و دوست دارم برای کشف طلا به ایران بیایید». در مرز استان کارس، فرماندار کارس به استقبال از رضاشاه آمد و با وی نهار را در شهر

کاغیذمانا که همراه با استقبال مردمی و نظامی صرف کردند و بعدتر به سمت شهر کارس حرکت کردند.

در طول مسیر تا کارس هیئت ترک کوشیدند تا وقایع تاریخی روی‌داده در این منطقه را نیز به رضاشاه معرفی کنند ازجمله جنگ‌های متوالی‌ای که در قرن نوزدهم در این وادی روی‌داده بود. کاروان ساعت پنج و پانزده دقیقه عصر به شهر کارس می‌رسد و روزنامه‌ها خبر می‌دهند که کارس هرگز چنین جمعیتی به خود ندیده است. جمعیت بسیاری جمع شده بودند تا شاه ایران را ببینند و سلام نظامی نسبتاً مفصلی نیز از سوی فرماندار فراهم‌شده بود .

در این روز وزیر امور خارجه ترکیه توفیق رشدی بیگ نیز برای خوش‌آمد گویی از استانبول به سمت ترابزون حرکت کرد. رضاشاه شب را در مقر فرمانداری سپری کرد و صبح هنگام زمانی که از پنجره جاده را نگاه می‌کرد با جمعیتی مواجه شد که در خیابان جمع شده و او را تشویق می‌کردند. در جوار این تشویقات رضاشاه شهر کارس را ترک گفت و به سمت روستای خراسان در کنار رود ارس حرکت کرد. در این منطقه رضاشاه در باب امکان جاده کشی برای امور ترانزیتی با والی منطقه سخن گفت. ساعت دو ظهر کاروان به سمت ارزروم روانه شد و درراه رضاشاه از مکان‌های مختلف تاریخی سؤال‌هایی از هیئت همراه خود پرسید .

در تاریخ ۱۹۳۴/۰۶/۱۲ رضاشاه وارد ارزروم شده و با استقبال شدید مردم محلی و هیئت نظامی مواجه شد. در اینجا نیز برای ورود شاه ۲۱ توپ شلیک شد و گروه کر نظامی، گروه سرود دانش آموزان به اجرای مراسم پرداختند. در تمام طول مسیر تا محل اقامت رضاشاه مردم در خیابان‌ها و کوچه‌ها به وی خوش‌آمد می‌گفتند و شاه نیز سلامی متقابل به آن‌ها می‌داد. آتاتورک به مناسبت ورود شاه به ترکیه پیامی به‌قرار زیر برای شاه فرستاد.

«از رئیس‌جمهور ترکیه قاضی مصطفی کمال

به شاهنشاه ایران اعلی‌حضرت همایون رضاشاه پهلوی

آنکارا، ۱۹۳۴/۰۶/۱۲

بسیار خوشحالم از اینکه ذات شاهانه به صحت و عافیت سفر می‌کنند و با صمیمی‌ترین احساس‌ها اشتیاق دیدارتان را دارم.

قاضی م. کمال»

رضاشاه نیز در پاسخ تلگراف آتاتورک تشکر خود را از استقبال گرم هیئت استقبال ابراز کرده و عنوان کرد که با اشتیاق منتظر رسیدن به آنکارا است.

رضاشاه روز بعد ساعت ۶ صبح به سمت ارزروم ره سپار شد. کاروان شب را در گوموش خانه سپری کرد.

رضاشاه در ۱۴ ژوئن به مرز استان ترابزون رسید و در آنجا هم توسط والی ترابزون و هم وزیر امور خارجه ترکیه مورد استقبال قرار گرفت. در هیئت استقبال برخی از افسران بلند رتبه ارتش ترکیه نیز حضور داشتند. کاروان ساعت ده و نیم صبح به شهر ترابزون رسید و مورد استقبال گرم مردم شهر قرار گرفت. در این شهر وزیر امور خارجه ترکیه مطالبی در مورد شهر ترابزون وضعیت روابط ترکیه عنوان کرد. رضاشاه نیز از احتیاج به صلح در منطقه سخن گفت و همچنین عنوان کرد که از این استقبال گرم احساس غربت به وی دست نداده است . در ساحل ترابزون از رضاشاه فیلم و عکس گرفته شد و شاه روز بعد با کشتی به سمت شهر سامسون حرکت کرد و ازآنجا با قطار به سمت آنکارا روانه شد.

رضاشاه در آنکارا

رضاشاه در ساعت دو و نیم ظهر روز ۱۶ ژوئن ۱۹۳۴ به آنکارا رسید. وضعیتی که آن روز در آنکارا وجود داشت شبیه یک روز مخصوص ملی بود. در آن روز از ایستگاه قطار تا مرکز شهر انسان‌ها برای استقبال از رضاشاه جمع شده بودند و شهر از صدر تا ذیل تزیین‌شده بود.

در ایستگاه قطار آتاتورک به همراه کاظم اوز آلپ رئیس مجلس ترکیه، عصمت اینونو نخست‌وزیر ترکیه، فوزی چاکماک رئیس ستاد ارتش، معاون اول و دیگر مقامات دولتی از رضاشاه استقبال کردند. بعدازآن که رضاشاه از قطار پیاده شد آتاتورک دست وی را به گرمی فشرد و مابقی هیئت استقبال را به رضاشاه معرفی کرد. در

این دیدار مارش ملی هر دو کشور به صدا درآمده و ۲۱ توپ شلیک شد.

آتاتورک در سخنرانی که ایراد کرد گفت «وقتی‌که به‌دقت به روابط گذشته‌مان نگاه می‌کنیم می‌بینیم که وقتی کشورهایمان راهشان را از هم جدا کردند روزگار دشواری را سپری کردند اما هرآنگاه که روابط میانشان طبیعی شد که البته منافع هر دو کشور نیز در این است، کشورها در مسیر رفاه و اقتدار و خوشبختی قدم برداشتند. ترکیه این واقعیت تاریخی را به نیکی می‌داند و به همین خاطر است که بعد از امروز یکی از اساس‌های سیاست خارجی ما دوستی با ایران خواهد بود. من مطمئنم که رضاشاه به ملت ایران نسبت به آنچه گفتم معتقدند و ما امروز برای دوستی‌ای سالم و مداوم عهد خواهیم بست» . رضاشاه در این دیدار به سبب آنکه ترکی را خوب می‌دانست با ترکی سلیسی سخنرانی کرد .

رضاشاه در همین لحظات نخست عنوان کرد که ترکیه و ایران باید راه‌های ارتباطی میانشان را گسترش داده و علاقه‌های اقتصادی موجود را افزون کنند. شهردار آنکارا نیز در بخش دیگری از مراسم استقبال سخنرانی کرد و ورود رضاشاه را به این شهر خیرمقدم گفت.

بعد از مراسم استقبال هر دو رهبر به سمت «خانه ملت» رفتند و در بالکن این ساختمان به ابراز احساسات مردم پاسخ دادند و در همین بالکن با یکدیگر مدت کوتاهی گفتگو کردند. رضاشاه بعد از استراحت کوتاهی برای دیدار آتاتورک به کاخ چانکایا رفت. بعد از دیدار با رئیس‌جمهور و برخی مقامات دیگر به «خانه ملت» بازگشت، در آنجا برخی مقامات سیاسی ترکیه به دیدار شاه رفتند. شب‌هنگام در کاخ چانکایا مراسمی با حضور رضاشاه و به دعوت آتاتورک برپا شده بود که در آن زن‌ها دعوت نشده بودند و آن‌ها تنها در قالب گروه کر برای اجرای برخی قطعات اروپایی در مراسم حاضر شدند.

در مراسم شام مصطفی کمال نطقی ارائه کرده و بعد از تشکر از حضور رضاشاه و اشاره به تاریخ روابط دو کشور و آغاز فصل جدیدی در مناسبات میان دو کشور عنوان داشت که «ما تمام پیشرفت‌های کشور شما را باعلاقه دنبال کرده و از ماحصل اراده شما بهره می‌بریم. ترکیه و ایران در راستای نقشی که هزاران سال است عهده‌دارند درراه تعالی و متعالی کردن درحرکت‌اند. این بار این دو ملت برادر با حضور شما در ترکیه دوستی را عمیق‌تر کرده و یکی از لحظات مسرت‌بخش برای تمدن و انسانیت را رقم‌زده است. هیچ شبه ای نیست که ملت‌های ما که هدفی جز صلح و مصالحه ندارند، خدمت برای برپایی صلح عمومی را شریف‌ترین وظیفه

می‌دانند... این زیارت شما نه‌تنها در دفتر خاطرات دو ملت بلکه در مناسبات صلح جهانی به‌عنوان یکی از روزهای تأثیرگذار ثبت خواهد شد...آرزومند رفاه و سعادت کشور دوست هستم و صمیمی‌ترین خواسته‌ام تعمیق روابط ایران و ترکیه است» .

در پاسخ رضاشاه نیز عنوان کرد که گسترده شدن روابط و تعمیق دوستی میان دو کشور امری بوده که از آغاز راه سیاسی آن را آرزوِ داشته است و «امروز که این مهم به درایت به‌دست‌آمده بر چنان اساس استواری پای گرفته است که می‌دانم ماندگار خواهد بود». همچنین شاه ابراز کرد که مدت‌هاست او نیز پیشرفت‌های ترکیه را زیر نظر دارد و از آن بهره برده است. در پایان وی نیز آرزوی سعادت ملت ترک و تداوم ترقیات این کشور را کرده و از آتاتورک تشکر کرد .

هر شب در آنکارا ضیافتی برای حضور رضاشاه ترتیب داده‌شده بود اما مزاج رضاشاه با غذاهای ترک سازگار نبود و از همین جهات آشپز مخصوصی برای وی از ایران فراخوانده شد.

در روز ۱۷ ژوئن مراسم نظامی بسیار بزرگی ترتیب داده‌شده بود که در آن نیروهای زمینی و هوایی ترکیه با هواپیماهای ساخت ترکیه به مانور و رژه پرداختند. روزنامه‌ها گزارش دادند که تقریباً تمامی اهالی آنکارا به تماشای این مراسم رفته بودند.

روز بعد رضاشاه به مجلس ملی ترکیه رفته و در آنجا به نحوه انجام امور نظارت کرد. در جلسه مذکور مجلس که رضاشاه آن را از جایگاه رئیس‌جمهور نظاره می‌کرد قانون نام خانوادگی موضوع بحث مجلس بود. همچنین در این جلسه رئیس مجلس سخنرانی نسبتاً مفصلی درباره روابط ترکیه و ایران و چگونگی بروز مشکل مرز میان دو کشور و حل شدن آن و عزم هر دو کشور برای پیشرفت ارائه کرد. در این جلسه برای مجلس ایران نیز پیامی ارسال شد و مجلس ایران نیز از عطف نظر مجلس ترکیه به شاه و ملت ایران قدردانی کرد.

عصر آن روز رضاشاه به دیدار یکی از مراکز نظامی آنکارا رفت و صبح بعد رضاشاه از برخی موزه‌ها، گالری‌ها و مدارس این شهر دیدن کرد. یکی از این مراکز که نظر رضاشاه را جلب کرد انستیتوی دختران بود .

در بیستم ژوئن رضاشاه از انستیتوی عالی کشاورزی دیدار کرد و در این دیدار وزیر کشاورزی ترکیه نیز وی را همراهی کرد. وی در اینجا از دستاوردهای کشاورزی ترکیه بازدید و در مورد گیاهان مختلف سؤال کرده و در پایان گفت که اگر اینجا را ندیده و از ترکیه می‌رفتم این سفر ناتمام بود .

سپس شاه از یک مدرسه دیگر و «بیمارستان نمونه» دیدن کرد و در مورد بیماری‌ها و آزمایشگاه‌های آنجا سؤال پرسید.

بعد از صرف نهار رضاشاه به انستیتوی «حفظ صحت» رفت و در آنجا در مورد واکسیناسیون اطلاعاتی کسب نمود و گفت که بودن چنین نهادهایی در ترکیه مایه خوشحالی است.

پس از آن وی از یک یتیم‌خانه دیدار کرده و درنهایت به مشاهده دستاوردهای ارتش ترکیه رفت. هم از کارخانه‌های تحت نظارت ارتش دیدار کرد و هم از ساختمان فرماندهی ارتش و در آنجا به رئیس ستاد ارتش گفت که «کاش شما رئیس هر دو ارتش بودید».

رضاشاه و آتاتورک در آناتولی

شب ساعت ۱۰ برای آنکه رضاشاه از نحوه انجام اصلاحات شهری در ترکیه خبردار شود به همراه آتاتورک به زیارت شهرهای آناتولی برده می‌شود. در برنامه اولیه‌ای که برای رضاشاه تنظیم‌شده بود این سفر وجود نداشت و به اصرار آتاتورک این سفر به برنامه اضافه شد. رضاشاه در برابر هیئتی که برای بدرقه او به ایستگاه آنکارا آمده بودند سخنرانی کوتاهی کرده و از کسانی که در این شهر وی را همراهی کردند قدردانی نمود.

رضاشاه و آتاتورک در اسکی شهیر

ساعت ۸:۳۰ صبح روز ۲۱ ژوئن رضاشاه و آتاتورک وارد اسکی شهیر شدند. در این شهر از هر دو رهبر استقبال گرمی انجام گرفت و هواپیمای نظامی که مقرر بود به شاه ایران هدیه داده شد و در این استقبال به پرواز درآمده و مانور انجام داد. همچنین کارخانه قند سازی نیز در این سفر مورد بازدید واقع شد و بعد آن دو رهبر به سمت آفیون حرکت کردند.

رضاشاه و آتاتورک سپس از شهرهای کوتاهیا، آفیون، اوشاک و مانیسا به‌وسیله قطار گذر کرده و در این شهرها به مدت کوتاهی برای استراحت توقف کردند. همچنین در طول سفر با استقبال مردم مواجه شدند و به آن‌ها پاسخ داده و دو پادگان نظامی را زیارت کردند.

برای گذران دو روز رضاشاه و آتاتورک در ۲۲ آوریل وارد ازمیر شدند. ابتدا در ازمیر پایگاه هوایی ارتش و سپس کتابخانه شهر مورد بازدید دو رهبر قرار گرفت. عصر هنگام نیز دو رهبر رژه نظامی ارتش را نظاره کردند. روز بعد نیز دیگر پایگاه‌های نظامی از سوی دو رهبر مورد بازدید واقع شد. شب‌هنگام نیز به ضیافت شام رفته و رضاشاه از مهمان‌نوازی ترک‌ها قدردانی کرد و عنوان کرد که این شور و هیجانی که برای استقبال در ازمیر دیده است را در هیچ کجا ندیده بود و قدح خود را در تشکر از هیئت ترک بالا برد.

شب‌هنگام سفر آن‌ها با قطار و سپس با اتومبیل به سمت استانبول آغاز شد. آن‌ها در مسیر از شهر بالیک اسیر دیدن کرده و سپس ازآنجا با اتومبیل راهی چاناک کاله شدند. در چاناک کاله آتاتورک محلی که به فرماندهی وی ترکیه بر دشمنان فائق آمد را نشان داد. در حین این صحبت گوسفندی در جلو آن‌ها قربانی می‌شد که آتاتورک به آن واکنش نشان داد. رضاشاه تعجب کرده و علت را جویا شد. آتاتورک گفت که «من تحمل دیدن خون ندارم». رضاشاه گفت که «پس چگونه در میدان‌های جنگ تاب آوردید؟» آتاتورک پاسخ داد که «آن مسئله دیگر است، در میدان‌های جنگ از روی جسدها رد می‌شوم» .

آتاتورک و رضاشاه در استانبول

در روز ۲۶ ژوئن آتاتورک و رضاشاه به استانبول رسیدند. در این شهر نیز برای هر دو رهبر برنامه فشرده‌ای آماده‌شده بود. ابتدا هیئت جزایر و سمت آسیایی این شهر را با کشتی نظاره کردند و در این راه به‌واسطه کشتی‌ها و قایق‌های دیگر مورد استقبال قرار گرفتند. اما استقبال اصلی زمانی انجام شد که آن دو پای در ساحل گذاشتند.

به مناسبت ورود رضاشاه چتربازها در آسمان استانبول نمایش دادند و برای مردم سیگار رایگان پخش شد.

اتاقی در جبهه روبه‌دریای قصر دلماباغچه برای رضاشاه اختصاص داده شد، بعدها آتاتورک در همین اتاق چشم از جهان فروبست .

در روز ۲۶ ژوئن رضاشاه از برخی پادگان‌های نظامی ترکیه دیدن کرده و سوار زیردریایی شد. بعد از صرف نهار وی با آتاتورک به آکادمی جنگ استانبول رفته و حدود ۵ ساعت از بخش‌های مختلف این آکادمی بازدید کرد.

رضاشاه در دیدار خود از استانبول هم به سبب خستگی و هم عدم علاقه در برخی از برنامه‌هایی که برای او ترتیب داده‌شده بود (مانند آتش‌بازی و یا مراسم رقص) شرکت نکرد.

در روز ۲۸ ژوئن رضاشاه از مکان‌های تاریخی استانبول نظیر کاخ توپ کاپی، ایاصوفیه و مسجد سلطان احمد دیدار کرده و بیشترین زمان خود را در موزه نظامی سپری کرد. وی همچنین از ایرانی‌هایی که برای دیدار او در کنسولگری ایران جمع شده بودند نیز سخنرانی کرده و از لزوم بهتر شدن روابط میان ترک‌ها و ایرانی‌ها سخن گفت.

در روز ۲۹ ژوئن این دو رهبر به سمت آسیایی استانبول رفته و از مکان‌های دیدنی آنجا بازدید کردند و بعدتر با فعالین اقتصادی ایرانی و ترک دیدار کردند. در این دیدار روزنامه‌نگاران نیز حضور داشتند.

روز ۳۰ ژوئن این رضاشاه مشغول مداوای دندان‌های خود بود و بدین سبب آتاتورک دستور داد که در قصر محل اقامت وی

تجهیزات دندانپزشکی و پزشکان مجرب برای مداوای حاضر شوند. شب این دو رهبر در مراسم آتش‌گردانی شرکت کردند.

صبح روز ۱ جولای رضاشاه به بازدید از دانشکده‌ها و کتابخانه‌های مختلف دانشگاه استانبول پرداخت. بعدازظهر دو رهبر به سمت میدان تیراندازی رفته و از فعالیت‌های محل بازدید کردند. شب‌هنگام آن‌ها فیلم سفر رضاشاه به استانبول را تماشا کردند. روز بعد که درواقع آخرین روز حضور رضاشاه در استانبول بود، مدال‌هایی که برای رضاشاه تهیه‌شده بود (۵۰ مدال طلا و ۱۰۰ مدال نقره) به وی تقدیم شد. همچنین مجلداتی از اخباری که در دوره حضور وی در ترکیه تهیه‌شده بود نیز به وی تقدیم شد. رضاشاه در طی حضور خود نیز ۲۰۰۰ لیر به «دارالعجز» و ده هزار لیر به صلیب سرخ ترکیه کمک کرد .

در نظر رضاشاه ترکیه کشوری پیشرفته‌تر از ایران بود. وی درباره علت این امر گفت «ترک‌ها چه نظامی و چه سیویل دارای احساس نظم هستند و ترک را از ایرانی راحت‌تر می‌توان مدیریت کرد» .

رضاشاه در مسیر استانبول به ایران

رضاشاه در عصر روز دوم جولای زمانی که استانبول را ترک می‌کرد به شهردار استانبول عنوان کرد که از استقبال صورت گرفته در این شهر بسیار سپاسگزار است. وی عنوان کرد که اداره این شهر کاری دشوار اما ممتاز است. چراکه نگاه همه شرق به استانبول است. وی با هیئت همراه خداحافظی کرده و از آتاتورک تشکر کرده و گفت که آرزوی دیدار او در ایران را دارد. آتاتورک نیز به همراهان رضاشاه ساعتی هدیه داد که در زیر آن امضای خود نقش بسته بود.

رضاشاه با کشتی به سمت ترابزون حرکت کرد و در صبح ۴ جولای به ترابزون رسید و ازآنجا از مسیری که آمده بود به سمت مرز ایران حرکت کرد و در تاریخ ۶ جولای به مرز رسید. وی به دولت و اعضای مجلس ایران که خواهان استقبال از او بودند دستور داد که

لزومی به استقبال نیست و باید وظایف خود را انجام دهند. در مرز وی تلگراف به آتاتورک فرستاده و مجدداً از وی تشکر کرد. در پاسخ نیز آتاتورک حضور او را فراموش ناشدنی دانسته و از باب این زیارتی که دوستی و برادری دو کشور را عمیق‌تر کرد، تشکر نمود.

رضاشاه ۱۰ جولای به تهران رسید و استقبال گرمی از وی به عمل آمد. چند روز بعد آتاتورک پیامی به رضاشاه فرستاد و سفیر جدید ترکیه در ایران را منصوب کرد. انیس بیگ سفیر جدید مأموریت ایجاد خط محرمانه‌ای میان رضاشاه و آتاتورک را نیز بر عهده گرفت و برای این کار نیز کد مخصوصی در نظر گرفته شد.

PersianPDF.com

بازتاب سفر رضاشاه در رسانه‌های ترکیه

بازتاب سفر رضاشاه که با مهمان‌نوازی عالی ترکیه انجام‌شده در رسانه‌های داخلی ترکیه و در مجلس این کشور بازتاب یافت. در طول سفر یادداشت‌های مفصلی در باب اهمیت این سفر از سوی رسانه‌ها منتشر شد. روزنامه «راه ترک» در یادداشتی اظهار داشت که «پیش‌ازاین اختلاف ایران و ترکیه در مسائل مرزی در جریان بود اما حال که این مسئله مرتفع شده است تنها کار باقی‌مانده تعمیق دوستی است».

روزنامه «کاراقوز» که در ازمیر چاپ می‌شد، در یادداشتی با عنوان «دوستی تنها یک کلمه نیست» این زیارت را عامل تقویت روابط میان دو کشور دانست. «دوستی ما با ایران جدی است و هرروز در حال بهتر شدن است. این دوستی چنان‌که بعضی‌ها ادعا کرده‌اند

لاف گزاف نیست. این منافع ملی هردو کشور در ابعاد مختلف است که این دوستی را ضروری کرده است». همچنین این روزنامه از ضرورت فراهم شدن خطوط راه‌آهن میان دو کشور و اتصال آن به اروپا سخن گفته است، چراکه این امر سبب‌ساز بهره اقتصادی برای هر دو کشور است .

«عصر نو» روزنامه دیگری که در ازمیر چاپ می‌شد در ستون اصلی خبر ورود آتاتورک و رضاشاه به ازمیر را پوشش داده بود. «رضاشاه که از مسیری تاریخی با قدمش به آنکارا شرف داد و به تپش‌های قلب ترکیه گوش کرد اکنون از مسیری که در آن «جنگ رهایی‌مان» به پیروزی رسید به ازمیر می‌آید. فرمانده کل قوایمان، معمار انقلاب و فاتح جنگ، قهرمان ملی و رئیس بی‌نظیرمان نیز با وی همراه است. سال‌ها بود که در زیر آوار سیاست‌های خودکامه و بی‌عقل، برخی به دنبال خاموش کردن هیجان موجود در قلب‌های حسرت کشیده برای دیدار بودند، حال این آوار برداشته‌شده و ما در مسیر جدیدی از تاریخ گام برمی‌داریم. کدامین رویداد از این هیجان‌انگیزتر است؟»

روزنامه «وقت» در شماره ۱۱ ژوئن ۱۹۳۴ مقاله‌ای با عنوان «سلام بر شاهنشاه» چاپ کرده و در آن بر اهمیت فوق‌العاده این دیدار انگشت نهاد: «نفس دیدار رضاشاه از ترکیه اهمیت بسیار دارد اما

مطلب دیگری وجود دارد که بر اهمیت این دیدار می‌افزاید و آن این است که شاهنشاه اولین بار است که کشورش را ترک می‌کند و این اولین بار را در کشور ترکیه تجربه می‌کند. این امر نشان احترامی است که ایشان به ملت ترک و در رأس آن آتاتورک دارد. از زمان تأسیس جمهوری ترکیه در این کشور دوستی عمیقی نسبت به ایران وجود داشته است. همچنین ترکیه برخورد شدیدی با کشورهای خارجی‌ای داشته که خواهان مداخله در رابطه ایران و ترکیه بودند. این امر سبب شده است که دوستی بین ایران و ترکیه قدرتمندتر شود. واقعه‌ای که در کوه آرارات اتفاق افتاد اگرچه برای تخریب رابطه میان ایران و ترکیه به وجود آمده بود اما برعکس به تدبیر هر دو کشور موجب تقویت دوستی شد» .

همین روزنامه در یادداشت شماره ۱۱ ژوئن خود عنوان کرد که باید این روز را نقطه عطف و حتی انقلابی در رابطه ایران و ترکیه دانست. تاریخ‌نگاران نسل‌های قبل کشور ایران را به‌غلط به ما شناساند و خرافات بسیاری راجع به ایران ارزانی داشتند این‌گونه این دو کشور برای قرن‌ها نتوانستند با هم به توافق برسند. اما زمانی که آفتاب حقیقت تابید اثری از این خرافات بر جای نماند .

ده روز بعد این روزنامه در مقاله دیگری با عنوان «پهلوی و قاضی» به ارزیابی حضور رضاشاه در ترکیه پرداخت. این روزنامه نوشت:

«شاه همچون مسافری موقر از مرز گذشت و از همان زمان چکمه را از پا و لباس نظامی را از تن نکند و در اتومبیلش به‌تنهایی تا آنکارا راه پیمود. در آنکارا با ناجی ترکیه دیدار کرد آن‌ها چنان با یکدیگر دست فشردند که گویا از ازل همدیگر را می‌شناختند... هر دو نظامی هر دو فرمانده و هر دو مردانی بودند که وطنشان را نجات داده بودند... هرج‌ومرجی که امروز در فضای سیاسی جهان درنتیجه افکار امپریالیستی و بی‌خردانه به وجود آمده این منظره صمیمی شعف آفرین و هیجان بخش است و آیا این سمبل متعالی‌ای نیست که آینده را با امید روشن نگه دارد؟»

روزنامه عصر به ابعاد اقتصادی این سفر پرداخته است «امید اینکه بعدازاین سفر تجارت کالا میان دو کشور افزایش‌یافته و خطوط ترانزیت میان این دو گسترده‌تر شود بسیار جدی است. بدین وسیله کوشیدیم که در مورد امور تجاری میان دو کشور دقیق شویم و آنچه بدست آوردیم بدین قرار است. در ۹ ماه اول سال ۱۹۳۲ از ترکیه به ایران بیش از ۱۷ هزار لیر کالا صادر شده است. اما در ۹ ماهه اول ۱۹۳۳ این رقم به زیر ۱۰ هزار لیر سقوط کرده است. همچنین ورود کالا از ایران نیز به نسبت سال‌های قبل از خود کاهش نشان داده است. در ۹ ماهه اول سال ۱۹۳۲ ارزش کالای وارداتی از ایران به ترکیه بیش از ۲۷۸هزار لیر بوده است. اما در سال ۱۹۳۳ این رقم به ۳۵ هزار لیر کاهش یافت. البته نمی‌توان

تجارت میان ایران و ترکیه را در این رقم های ناچیز مشاهده کرد. مهمترین تجارت میان ایران و ترکیه در ترانزیت است. می‌توان عنوان کرد که در میدان ترانزیت ترکیه، ایران رتبه اول را داراست. اما باید این دو کشور راههای افزایش آن را پیش گیرند.»

گزارش های مجلس کبیر ملی ترکیه

واکنش ها به حضور رضاشاه در ترکیه در مجلس ترکیه نیز به سرعت شکل گرفت. بعد از حضور رضاشاه در ترکیه سخنرانی هایی در مجلس ترکیه درباره ماهیت حضور ایشان روابط ایران و ترکیه ادا شد. از جمله وزیر امور خارجه و توفیق روشتو آراس و نخست‌وزیرعصمت اینونو در این باره سخنرانی کردند. نخست‌وزیر عنوان کرد که روابط ایران و ترکیه بر پایه امنیت و صداقت استوار است.

بعد از این سفر هیئت هایی نیز از طریق دانشگاه های ترکیه به ایران سفر کردند به‌عنوان مثال برخی از اساتید ادبیات دانشگاه استانبول برای کنفرانس گرامیداشت فردوسی به تهران رفتند.

بازتاب های سفر رضاشاه در رسانه های ایران

همانگونه که در ترکیه سفر رضاشاه موجب به وجود آمدن نوشته های گوناگون از زاویه نگاه افراد متفاوت شد، در ایران نیز یادداشت های مختلفی نگاشته شد. بعد از سفر رضاشاه در ایران هنوز هم یادداشت هایی درباره چگونگی این سفر و دستاوردهای آن منتشر می‌شد.

سرکنسول ترکیه در رضاییه در یادداشتی که به آنکارا نوشت، از نقش خود در این دیدار یاد کرده و عنوان کرد که رضاشاه با وی نه همانند یک غریبه بلکه به مثابه یک مامور ایرانی برخورد کرد. برخی شنیده ها حاکی از آن است که رضاشاه بعدازآنکه به ایران بازگشت کابینه دولت را جمع کرد و از آن‌ها پرسید که راز پیشرفت ترکیه در چیست، آن‌ها در پاسخ گفتن دچار تردید شدند اما رضاشاه

با آن‌ها گفت «من این راز را می‌دانم، همه این راز در عقل آتاتورک جای دارد و مشاورین وطن پرستی که در اطراف وی حضور دارند».

اخباری که در سال ۱۹۳۵ در ایران منتشر شده است نشان می‌دهد که در این سال ایران برای حضور آتاتورک در حال آماده سازی بوده و جاده بین ماکو و رضاییه را ترمیم کرده و خیابان ها را آراسته است .

مسئله دیگری که حضور رضاشاه در ترکیه به وجود آورد آسان تر شدن قرارداد خاورمیانه بود که میان ترکیه- ایران- عراق و افغانستان امضا شد. همچنین بهبود روابط ترکیه و ایران باعث شد که اختلاف مرزی میان ایران و افغانستان به میانجیگری ترکیه حل و فصل شود .

وزیر آموزش ایران گزارش می دهد که رضاشاه بعد از برگشت از ترکیه توجهش به آنچه جهانیان راجع به ایران فکر می‌کردند بیشتر جلب شد و به تعداد مترجمینی که در وزارت خارجه به ترجمه اخبار از سراسر جهان مشغول بودند افزوده شد.

همچنین زیارت رضاشاه از ترکیه باعث به وجود آمدن رفرم هایی در ایران شده است. رضاشاه در این سفر مشاهده کرد آنچه که در ایران به آرامی پیشرفته، در ترکیه به سرعت انجام شده است. از این رو رضاشاه اصلاحات سیاسی اقتصادی را با سرعت بیشتر پی

گرفت. در این راستا رضاشاه افکاری که در قفقاز وجود داشتن را برای انجام پروژه های خود قابل اعتناتر دانست. همچنین رضاشاه برای برطرف کردن مخالفت‌های علمای دین بعد از دیدن دستاوردهای ترکیه بیشتر مصمم شد.

برخی ازنزدیکان شاه که افکار مدرنی داشتند یکی از ویژگی‌های انقلاب ترکیه را کلاه به سبک اروپایی دانستند. رضاشاه در جواب به این عده گفته بود که ما در مقابل کلاه پهلوی را برگزیده ایم. اما با سفر رضاشاه به ترکیه میبینیم که وی تلگرافی به محمدعلی فروغی فرستاده و خواسته است که کارگران ایرانی نیز بعد از این تاریخ کلاه بر سر بگذارد. این مسئله گامی به سوی اروپایی شدن ایران تلقی شده است.

بعد از سفر رضاشاه به ترکیه بعضی از ایرانیان خواستند که همانند ترکیه ایران نیز از الفبای عربی دست شسته و اینگونه به جنگ با جهالت برود، اما رضاشاه یا خود این فکر را نپسندید یا اطرافیان او مانع شدند. اما آنچه قطعی است این است که رضاشاه بعد از زیارت ترکیه تصمیم به برداشتن روبنده از زنان گرفت.

در میان روزنامه‌های ایران خبر های بسیاری درراستای تشکر از مهمان نوازی ترکها منتشر کردند. برخی از روزنامه‌ها به دستاوردهای اقتصادی این سفر اشاره کردند و برخی نیز سخنان

رضاشاه را تکرار کرده و گفتند که «از امروز به بعدترکیه وطن دوم ایرانیان است و برای بهروزی، این دو کشور باید دست در دست هم دهند.»

وزیر امور خارجه ایران در سخنرانی که در مجلس داشت دستاوردهای سفر رضاشاه به ترکیه را بسیار دانسته و این سفر را فوق‌العاده خواند و نشان دوستی بین دو کشور را در آن دانست که این سفر برای ۱۵ تا ۱۸ روز تنظیم‌شده بود اما به سبب پیشرفت امور در ترکیه بیست و هفت روز به درازا انجامید. از سوی دیگر می‌توان به استقبالی که از رضاشاه در شهرهای آنکارا ازمیر و استانبول انجام شد اشاره کرد که این استقبال ها در تاریخ ترکیه بی نظیر بود. وی گفت که ما ثمره این روابط را در آینده بسیار نزدیک خواهیم دید. متن سخنرانی وزیر امور خارجه در مجلس به صورت تلگراف به آنکارا ارسال شد.

بازتاب سفر رضاشاه به ترکیه در اروپا و آمریکا

روزنامه تایمز دیدار رهبر ایران و ترکیه را پوشش داد، مسئله اساسی ای که این روزنامه در گزارش خود بدان پرداخته بود به وجود آمدن خط راه آهن در نزدیکی مرز دو کشور بود. گزارشگر تایمز معتقد بود که اگر طرف ایرانی نیز همانند ترکیه تلاش کند در آینده نزدیک آنکارا به تهران از طریق خط راه آهن متصل خواهد شد .

روزنامه دیلی تلگراف با پوشش دادن خبر دیدار آتاتورک و رضاشاه آن را با دیدار همزمان دیگری که در وین میان رئیس‌جمهور ایتالیا و آلمان برقرار بود مقایسه کرد. این روزنامه به دلیل شباهت ویژگی های رهبران ایران و ترکیه این دو کشور را در تعقیب اهداف همانندی دانست.

مجله «شرق نزدیک» نیز گزارش مفصلی از حضور رضاشاه در ترکیه ارائه کرد. در این یادداشت به دستاوردهای احتمالی این سفر اشاره شده و امکان قدرت یابی اقتصادی این دو کشور را بر اساس همکاری های مشترک بیان داشته بود. این یادداشت نیز به خطوط راه آهن اشاره کرده و آن را برای تجارت ایران ضروری دانسته بود.

مهمترین مسئله ای که روزنامه اکونومیست به آن اشاره کرده بود تلاش دو کشور برای ترقی و پیشرفت بود. از نظر این روزنامه این دیدار پیامی بود برای کشورهای اروپایی که ایران و ترکیه نیز با پیوند با هم می‌توانند توسعه یابند.

برخی از روزنامه‌های بلغارستان، ایتالیا، فرانسه و آمریکا نیز دیدار رضاشاه و آتاتورک را مخابره کردند. این روزنامه‌ها این دیدار را از لحاظ تجاری و اقتصادی برای دو کشور مهم دانسته و این را سرآغاز جدیدی در وضعیت سیاسی خاورمیانه دانستند. روزنامه‌های آمریکایی اخبار خود را از روزنامه‌های اروپا انتقال داده بودند .

بازتاب سفر رضاشاه در روزنامه های خاورمیانه

یکی از کشورهایی که سفر شاه ایران به ترکیه را مورد توجه قرار داد عراق بود. این سفر برای بغداد بیشتر مایه نگرانی بود. یکی از روزنامه‌های این کشور عنوان کرده است که ترکیه از این ملاقات دو قصد دارد، اول پیمان صلحی همانند پیمانی که در اروپا تشکیل شده را در خاورمیانه میان کشورهای ایران، افغانستان، ترکیه و عراق تشکیل دهد. مقصود دوم ترکیه اما گسترش تجارت است تا بتواند مدیترانه را به آسیای مرکزی پیوند دهد، برای این مهم این دو کشور تلاش برای گسترش خطوط راه آهن خواهند کرد.

برخی از روزنامه‌های مصر نیز اخبار این سفر را پوشش دادند. آنچه در این روزنامه‌ها به آن توجه شده بود دستاورد عمده این سفر در مرز کشی های میان ایران و ترکیه بود. چرا که بعد از این سفر

ایران به واسطه ترکیه توانسته است مرزهای خود با افغانستان را معلوم کند و ترکیه نیز قصد دارد که با کمک ایران بتواند مرزهای نا دقیقیش با عراق را که در پی معاهده لوزان ایجاد شده است را دقیق تر کند.

***

پیوست
زندگی و پادشاهی رضاشاه پهلوی

رضا[5] در ۲۴ اسفند ۱۲۵۶ هجری خورشیدی در روستای آلاشت از توابع سوادکوه مازندران زاده شد.[6] پدرش داداش بیک سوادکوهی، یاور فوج سوادکوه بوده‌است.

---

[5]- رضاشاه در طول زندگی خود و حتی پس از آن به دلایل گوناگون به القاب مختلفی خوانده شده‌است. در جوانی به نام ناحیه‌ای که از آن برخاسته بود «رضا سوادکوهی» نامیده می‌شد. با ورود به نظامی‌گری به مناسبت استفاده از مسلسل ماکسیم به «رضا ماکسیم» و بعدها به «رضاخان» و سپس، با ذکر درجه نظامی‌اش، به «رضاخان میرپنج» شناخته شد. پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و به دست گرفتن وزارت جنگ و فرماندهی کل قوا، او را «سردار سپه» می‌خواندند. پس از رسیدن به پادشاهی و گزیدن نام خانوادگی پهلوی به «رضاشاه پهلوی» (پیش از این نام خانوادگی در ایران رایج نبود؛ رضاشاه برای نخستین بار استفاده از نام خانوادگی را اجباری کرد شناخته شد. در سال ۱۳۲۸ با تصویب مجلس شورای ملی به او لقب «رضاشاه کبیر» داده شد.

[6]- محل زندگی رضاشاه در کودکی به عنوان «زادگاه بنیان‌گذار پهلوی» نامیده می‌شد و امروز، موزه مردم‌شناسی شهرستان آلاشت است. این منطقه

رضا شاه در سفرنامه مازندران اصالت خانوادگی خود را سوادکوه مازندران معرفی می‌کند[7].

مادرش نوش‌آفرین آیرملو، اهل تهران و تا مرگ داداش‌بیگ ساکن آلاشت بود. مرگ پدرش در چهل روزگی وی موجب شد که نوش‌آفرین تصمیم به عزیمت به تهران بگیرد. به این خاطر پس از مدتی نوزاد شش‌ماهه را برداشت و راه تهران را در پیش گرفت. در این سفر رضای نوزاد در راه سخت میان مازندران و تهران به شدت بیمار شد و با رسیدن به گردنه و کاروانسرای گدوک، نوزاد یخ زد و مادر و سایر همسفران وی را مرده پنداشتند؛ بنابراین او را از مادر جدا نموده و برای دفن در روز بعد، او را در کنار چارپایانشان گذاشتند. گرمای محیط موجب شد تا کودک مجدداً جانی بگیرد و اطرافیان را متوجه خود کند. این داستان را رضاشاه بارها در دوران پادشاهی و در هنگام ساخت راه‌آهن شمال برای اطرافیان از جمله

آلاشت در فهرست آثار ملی کشور به نام محله قدیمی آلاشت به شماره ۸۶۷ ثبت ملی شده‌است.

[7]- دو دستنویس از رضا شاه بر جای مانده که به سفرنامه مازندران و سفرنامه خوزستان موسوم است. سفرنامه مازندران در سال ۱۳۵۵ توسط مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی پهلوی در تهران به چاپ رسیده‌است. رضا شاه پهلوی در سفرنامه مازندران، اصالت پدری و نیاکانی خود را به مازندران و سوادکوه رسانده و از آنجا با عناوین «مسقط الراس» و «خانه» و «وطن خود» و مرقد اسلاف و اجداد و نیاکانش یاد کرده‌است. اهمیت این منبع در آن است که چاپ اولش در سال ۱۳۰۵ توسط خود رضا شاه و چاپ دومش در دوران پهلوی دوم و با تأیید دربار و توسط یکی از مراکز درباری به چاپ رسیده و از این حیث منبع موثق می‌باشد.

محمدعلی فروغی و حسن اسفندیاری نقل نموده‌است. رضا و مادرش در محله سنگلج در نداری و تهیدستی زندگی می‌کردند. مخارج زندگی آنان تا هفت سالگی رضا برعهده سرهنگ ابوالقاسم آیرم‌لو بود. او در آن زمان به نام ابوالقاسم بیک، خیاط قزاقخانه بود. پس از مرگ وی سرتیپ نصرالله‌خان آیرم زندگی آنان را اداره می‌کرد.

محمدرضا شاه پهلوی در کتاب «مأموریت برای وطنم» آورده‌است: «پدرم در سال ۱۲۵۶ در استان مازندران که نزدیک بحر خزر است، پا به عرصه وجود گذاشت. پدر و جدش در ارتش ایران با سمت افسری خدمت کرده بودند. جد او در یکی از جنگ‌های ایران و افغانستان از خود شجاعت و رشادت مخصوصی نشان داده و پدرش فرماندهی هنگی را که در استان مازندران ساخلو داشت، عهده‌دار بود .»

رضاشاه در سن ۱۴ سالگی توسط صمصام (از ابواب جمعی علی‌اصغرخان امین‌السلطان صدراعظم)، یکی از بستگان خود وارد فوج سوادکوه و تابین (سرباز) شد. از خود وی نقل شده‌است که به هنگام ورود آن قدر خردسال بوده‌است که دیگران وی را سوار اسب می‌کرده‌اند.

سال ۱۲۷۵ خورشیدی پس از کشته شدن ناصرالدین‌شاه قاجار، فوج سوادکوه برای نگاهبانی از سفارتخانه و مراکز دولتی به تهران فراخوانده شد. وی در دوران خدمت در قزاقخانه مدتی نگهبان سفارت آلمان در تهران بود. امضای تغییر شیفت روزانه وی هنوز در این محل نگهداری می‌شود.

سپس به سرگروهبانی محافظین بانک استقراضی روسیه در مشهد و پس از چندی به وکیل‌باشی (گروهبان تا استوار) گروهان شصت تیر منصوب شد. در این دوره رضاخان به دلیل استفاده از یکی از معدود مسلسل‌های ماکسیم آن زمان، به «رضا ماکسیم» معروف شد.

در سال ۱۲۸۸ خورشیدی، همراه با سواران بختیاری و ارامنه برای خواباندن شورش‌ها و قیام‌های محلی به زنجان و اردبیل اعزام شد و در جنگ با قوای ارشدالدوله از خود رشادت نشان داد. سپس با درجه یاوری (ستوانی) به فرماندهی دسته تیرانداز و در سال ۱۲۹۷ خورشیدی به فرماندهی آتریاد (تیپ) همدان منصوب شد

او در این سمت علیه فرمانده بریگاد یعنی *سرهنگ کلرژه* کودتایی را به فرماندهی استاروسلسکی، معاون وی با موفقیت اجرا نمود. اجرای این کودتا با هماهنگی احمدشاه توسط رضاخان به کودتای اول رضاخان نیز معروف است. در اثر این کودتا، کلرژه به روسیه بازگشت و استاروسلسکی فرمانده بریگاد قزاق در ایران شد.

در میان قزاق‌ها رضا فردی آزاداندیش ولی ناآرام و متمرد بود. او یک بار در زمان استاروسلسکی، پاگون یکی از افسران روسی ارشدش را کَند. او همچنین فرماندهی معنوی سایر افسران ایرانی را نیز به دست آورده بود؛ چراکه سایر افسران ایرانی نیز از او تبعیت می‌کردند و استاروسلسکی همواره مجبور بود او را راضی نگه دارد.او اهل تملق نبود و با زیردستانش در بریگاد به نیکی رفتار می‌کرد و گاه به آنان از جیب خود انعام نیز می‌داد. گاهی نیز مانند سایر قزاقها دست به شمشیر و اسلحه می‌برد؛ ولی کینه جو نبود و انتقام

نمی‌گرفت. یکی از افسران هم رده‌اش به نام *علیشاه* در درگیری ای صورت او را زخمی کرد. زمانی که رضا وزیر جنگ شد، افسر مزبور فرار کرد. به دستور رضا او را برگرداندند و با درجه‌ای از او دلجویی کردند و او تا مقام سرتیپی نیز رسید.

با اخراج افسران روس، بریگاد قزاق تحت نظر یک افسر نالایق ایرانی به نام سردار همایون، قرار گرفت و رضاخان عملاً فرمانده واقعی بریگاد (زیر نظر *ژنرال آیرونساید*) بود.

در پی گفتگوها و هماهنگی‌های انجام شده میان سید ضیاءالدین طباطبائی (مدیر روزنامه رعد) و رضاخان از یک سو و ژنرال آیرونساید با رضاخان از سوی دیگر،در روز سوم اسفند سال ۱۲۹۹، کودتایی نظامی ترتیب داده شد. میزان نقشی که هر یک از افراد در برنامه‌ریزی کودتا دارند دقیقاً مشخص نیست، گرچه سید ضیا و رضاخان هر یک مدعی این بودند که بازیگر اصلی کودتا هستند. در واقع هر یک نگران سرنوشت کشور بودند و به خصوص سید ضیا طرح‌های متعددی برای مقابله با تهدید بلشویکی پیشنهاد کرده بود.

عده‌ای بر این باورند که انگلستان که از پروپاگاندای بلشویکها در تهران نگران بود، در برنامه‌ریزی و حمایت این کودتا دست داشت. به گفته ماروین زونیس، میزان این دخالت هیچگاه مشخص نشد. بسیاری دیگر از پژوهشهای جدید نشان می‌دهد که سیاست رسمی بریتانیا در لندن، نه نقشی در طراحی و اجرای کودتای سوم اسفند داشت و نه تمایلی به برآوردن رضاشاه و برانداختن قاجارها. آیرونساید در خاطرات خود می‌نویسد که او طی دوره‌ای که سردار

همایون فرماندهی اسمی قوای قزاق را داشته‌است بارها از اردوی آنان بازدید می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که «رضاخان مسلماً بهترین است» و «فرمانده قزاق‌ها (سردار همایون) مخلوقی بی‌فایده و ضعیف است.«

به نوشته *دانشنامه اسلام* بریل، در اکتبر ۱۹۲۰ نیروهای بریتانیایی مستقر در شمال غربی ایران (که از زمان جنگ جهانی اول باقی‌مانده بودند) تحت سرپرستی ژنرال ادموند آیرونساید قرار گرفتند که به همراه دیگر افسران بریتانیایی با رضا خان که از چهره‌های ممتاز بی افسران قزاق پادگان قزوین بود آشنا شده و به تحسین وی پرداختند. پژوهش‌های اخیر به حضور دیپلماتیک و نظامی محلی در کودتا اشاره می‌کنند نه حمایت دولتی بریتانیا.

به نوشته *دانشنامه ایرانیکا*، بیشتر ناظران به اقدامات دولت جدید مشکوک باقی ماندند و به دخالت انگلستان در کودتا و همچنین شکل‌گیری سیاست‌های دولت جدید گمان می‌بردند.

ماجرا چنین بود که با ورود ادموند آیرونساید و اخراج روس‌ها، روزی آیرونساید همه فرماندهان ایرانی را جمع می‌کند و به کمک مترجم به آنان «توصیه» می‌کند که خلع سلاح شوند. در جوی که همه فرماندهان از صلابت این دستور سکوت اختیار کرده بودند، رضاخان برمی‌خیزد و با صدای رسا یادآوری می‌کند که آنان تنها تحت امر پادشاهشان (احمدشاه) هستند و گوشزد کرد که فرماندهان هرگز این دستور را از یک افسر انگلیسی اجرا نخواهند کرد.

به این ترتیب رضاخان مقام فرماندهی نیروهای قزاق را به دست آورد. در این موقع، صرفنظر از اینکه برنامه کودتا به دست

آیرونساید طراحی شده باشد یا به دست رضاخان، هردو مذاکرات خصوصی در مورد جزئیات را آغاز کرده بودند. آیرونساید می‌نویسد «رضاخان عجله دارد که وارد عمل شود. او از بیکاری خسته شده‌است.»در نتیجه این کودتا، نیروهای قزاق به فرماندهی رضاخان وارد تهران شدند و ادارات دولتی و مراکز نظامی را اشغال کردند.

پس از کودتا سید ضیاءالدین طباطبایی، مسعود کیهان را به وزارت جنگ منصوب کرد، اما کشمکش‌ها بین مسعود کیهان و رضا خان باعث شد که او در هفت اردیبهشت استعفا دهد و احمدشاه رضاخان را با لقب سردار سپه به وزارت جنگ منصوب کند. رضاخان سردار سپه تا سوم آبان ۱۳۰۲ در این سمت بود؛ و در این مدت نیروهای قزاق و ژاندارمری و نظمیه را ادغام کرد و ارتش ملی را به وجود آورد. از لحاظ سیاسی او در این دوره با نخست‌وزیرهای شاه به ویژه احمد قوام مشغول جنگ قدرت بود. درعوض با احمدشاه رفتاری احترام‌آمیز و خاضعانه داشت. احمدشاه اکثر اوقات در خارج از کشور به سر می‌برد.

با ظهور ارتش نوین ایران، امنیت که سال‌ها بود از کشور رخت بربسته بود، دوباره به کشور بازگشت. رضاشاه موفق شد در این دوره و به مدد مانورهای سیاسی و ارتش نوین خود، شیخ خزعل، کلنل محمدتقی خان پسیان، کوچک جنگلی و بلوچ‌ها را تخته‌قاپو کند. وی به پاس این پیروزی شمشیر مکلل به جواهر از احمدشاه دریافت کرد. در این راستا حتی مخالفانی مانند سید حسن مدرس و

دکتر محمد مصدق نیز بازگرداندن امنیت به کشور توسط وی را ستودند.

سرانجام در سوم آبان ۱۳۰۲ رضاخان با فرمان احمدشاه قاجار به نخست‌وزیری منصوب شد و شاه نیز پس از چند روز به اروپا رفت و عملاً کشور را به رضاشاه سپرد.

نخست‌وزیر، طی این دوره متوجه شد که برخی از ناآرامی‌ها را نمی‌توان با جنگ از بین برد؛ بنابراین، روی به سیاست آورد و با آوردن خانزادگان به تهران اسباب شهرنشینی آنان را فراهم نمود و آنان را از طغیان و مخالفت بازداشت.

طی سالهای نخست‌وزیری، رضا شاه که اختیارات فوق‌العاده‌ای پیدا کرده بود توانست یک رشته اصلاحات عمومی را به مرحله عمل برساند. این اصلاحات موجب شده بود تا عموم مردم نسبت به وی دید مثبتی داشته باشند.

در طول یک و نیم سال بعد از شکست پروژه جمهوری‌خواهی، سردارسپه کوشید تا خود را با نمایندگان مخالفین و اقلیت مجلس نزدیک کند. ارتباطات وسیعی با عبدالحسین میرزا فرمانفرما، نصرت‌الدوله، سید حسن مدرس و تقریباً اکثر کسانی که پس از کودتا دستگیرشده بودند برقرار شد.

تنها مقاومت جدی خانواده احمد شاه، نه از سوی وی که از سوی مادرش ملکه جهان صورت گرفت. او به تنهایی تصمیم به مبارزه با رضاخان گرفت و به این منظور از پاریس به عتبات عالیات سفر کرد تا حکم و فتوی مفسد و خارج از دین بودن بودن نخست‌وزیر را به هر قیمتی از مراجع عراق به دست آورد. ولی او نیز هنگامی به

عراق رسید که رضاشاه در مجلس مؤسسان سوگند پادشاهی خورده بود.

نمایندگان مجلس پنجم شورای ملی در روز ۹ آبان ۱۳۰۴ خورشیدی ماده واحده‌ای را مطرح کردند که به موجب آن احمدشاه از سلطنت خلع شد و حکومت موقت «در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی» سپرده شد و «تعیین تکلیف حکومت قطعی» به مجلس مؤسسان واگذار شد. سپس با تشکیل یک مجلس مؤسسان، در ۲۱ آذر ۱۳۰۴، سلطنت ایران به «آقای رضا پهلوی» واگذار شد. در بیست و چهارم آذر ۱۳۰۴ خورشیدی، رضاخان پهلوی در مجلس مؤسسان حاضر شد و با ادای سوگند به قرآن رسماً به عنوان سردودمان پهلوی وظایف پادشاهی را به عهده گرفت و برای اولین بار در سال ۱۳۰۴ بر تخت مرمر نشست. مراسم تاج‌گذاری رضاشاه در ۴ اردیبهشت ۱۳۰۵ در تالار سلام انجام شد.

با پایان دوران جنگ قدرت در کشور و پادشاهی رضا شاه، دوره رشد و سازندگی آغاز گردید. در این دوران رضا شاه، هنوز با افرادی رایزنی می‌کرد و مخالفانی چون محمدتقی بهار و محمد مصدق، آنقدر آزادی داشتند تا علناً با شاه مخالفت کنند و حتی از قبول مقام وزارت سر باز زنند.

هنگامی که رضا شاه پهلوی بر مسند پادشاهی نشست، جهان در آرامش موقت پس از جنگ جهانی اول نفسی می‌کشید. رضاشاه پهلوی، برنامه گسترده‌ای را برای سامان اداری و اقتصادی کشور به دست گرفت. رضا شاه توانست از آرامش نسبی میان دو جنگ،

PersianPDF.com

حداکثر بهره‌برداری را نموده و زیرساخت‌های کشور همچون ارتش و راه‌ها را به دست مستوفی‌الممالک، نخست‌وزیر مردمی و شناخته شده نوسازی کند. در همین دوران بود که کاپیتولاسیون الغا شده و راه‌آهن سراسری ایران به سرعت ساخته شد. همچنین آخرین آشوبها و نا امنی‌ها نیز توسط رضا شاه سرکوب شد و شمال شرق ایران که محل جولان یاغیان بود، به تسخیر ارتش درآمد و شهرهای جدید (مانند بندر ترکمن و گنبد کاووس) در محل این ناآرامی‌ها ساخته شد.

رضاشاه، در این دوران به تقویت نفوذ و افزایش پایگاه مردمی خود، خصوصاً در میان برخی روشنفکران پرداخت. سازمان‌های زنان (مانند جمعیت نسوان وطن‌خواه) آزادی فعالیت داشتند و گروه‌های چپ مانند حزب کمونیست ایران فعالیت می‌کردند. در اواخر این دوران بود که قانون مدنی کشور به تصویب مجلس رسید. با تصویب این قانون، قدرت روحانیون که تا آن زمان تنها مقام قضایی کشور بودند، به چالش کشیده شد.

رضاشاه در کل زندگیش تنها یک سفر به خارج از ایران داشت و آن هم ترکیه بود که با مصطفی کمال آتاترک دیدار کرد. تنها سفر خارجی رضاشاه، سفر به ترکیه در سال ۱۳۱۳ بود. او در این سفر سخت تحت تأثیر همپای ترکش مصطفی کمال آتاترک قرار گرفت و کوشید تا مانند او، کشور را با قدرت اداره نماید. چنان‌که شمشیر جواهر نشانی به رسم یاد بود به همراه عکس خود را به وی هدیه کرد و در پای عکس نوشت: «به رسم یادگار برای دوست عزیز و

برادر محترم حضرت قاضی مصطفی کمال رئیس‌جمهور ترکیه ارسال گردید» سعد آباد ۲۹/ ۵/ ۱۳۱۳

رضاشاه چه در جایگاه پادشاه و چه در جایگاه نخست‌وزیر و وزیر جنگ، کارهایی کرد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- ساخت راه‌آهن سراسری ایران (از دریای خزر تا خلیج فارس)
- بنیان‌گذاری دانشگاه تهران
- ساخت جاده مخصوص پهلوی (خیابان ولی‌عصر کنونی در تهران)
- متحدالشکل کردن لباس مردان، دستور به سر گذاشتن کلاه پهلوی به جای دستار و فینه و اجباری کردن کت و شلوار و کفش مردانه به جای لباس‌های سنتی در سال ۱۳۰۳ خورشیدی (در پست نخست‌وزیر)
- کشف حجاب اجباری (تغییر لباس زنان از پیچه و روبند به لباس و کلاه فرنگی و باز کردن صورت)
- تهیه و تصویب نخستین قانون مدنی ایران
- بنیان‌گذاری ثبت اسناد
- بنیان‌گذاری ثبت احوال و اجباری کردن برگزیدن نام خانوادگی و صدور شناسنامه
- لغو کاپیتولاسیون (مربوط به معاهده ترکمانچای)
- راهسازی سراسری در کل کشور
- متحدکردن نیروهای نظامی و تشکیل ارتش ایران و تصویب قانون نظام وظیفه عمومی

- بنیان‌گذاری بانک سپه
- بنیان‌گذاری بانک ملی ایران
- بنیان‌گذاری بانک فلاحتی (بانک کشاورزی کنونی)
- بنیان‌گذاری بیمه ایران
- بنیان‌گذاری رادیو ایران
- بنیان‌گذاری خبرگزاری پارس (خبرگزاری ایرنا کنونی)
- بنیان‌گذاری فرهنگستان ایران
- تغییر تقویم رسمی ایران از تقویم هجری قمری به تقویم خورشیدی جلالی (تغییر ماه‌های برجی مانند عقرب و سرطان به ماه‌های اوستایی مانند فروردین و اردیبهشت)
- تغییر نام رسمی کشور در زبان‌های خارجی و مجامع بین‌المللی از «پرشیا» به «ایران» در سال ۱۳۱۴.
- دستور به حفظ، بازسازی و مرمت آثار تاریخی ایران
- تأسیس نخستین موزه ایران با نام موزه ایران باستان
- حفظ یک‌پارچگی و تمامیت ارضی ایران با سرکوب وابستگان به قدرت‌های خارجی یا مخالفین داخلی و افراد متجاسر هم‌چون شیخ خزعل، اسماعیل سیمیتقو، میرزاکوچک خان، دوست محمد خان و...
- بازسازی مکان‌های تاریخی ایران از جمله آرامگاه فردوسی و آرامگاه خیام و موافقت با باستان شناسان خارجی برای بررسی و کشف آثار باستانی در ایران.
- ایجاد رادیو ایران
- تأسیس موزه ملی ایران

- ساخت (فرودگاه مهرآباد)

با وقوع جنگ جهانی دوم ایران اعلام بی‌طرفی کرد و حتی برای ندادن بهانه به دست متفقین که در جنگ با آلمان بودند، در چندین مرحله از شمار نیروهای آلمانی در ایران (که متفقین آنان را جاسوس رژیم نازی می‌خواندند) کاست. به‌طوری‌که حتی روابط دوستانه هیتلر و رضاشاه به سردی گرایید و کودتایی بر ضد رضاشاه از سوی آلمانیها طراحی شد که نافرجام ماند؛ ولی بریتانیا که به نفت رایگان ایران برای پیشبرد جنگ نیاز داشت، و روسیه که نیازمند دریافت کمکهای لجستیکی از متفقین بود، با چراغ سبز آمریکا، با نقض آشکار بی‌طرفی ایران در روز ۳ شهریور ۱۳۲۰ به ایران حمله کردند. از این روز به مدت یک هفته، شهرهای شمالی و غربی و جنوبی ایران از چندین جهت مورد تهاجم همه‌جانبه ارتش سرخ شوروی و ارتش بریتانیا قرار گرفت. همچنین نیروهای شوروی به بمباران شهرهای شمالی و شمال غربی ایران پرداختند. در روز ششم فروغی که به مقام نخست‌وزیری رسیده بود، ترک مقاومت را در دستور کار قرار داد و به رایزنی با اشغالگران پرداخت. رضاشاه بعد از ظهر روز نهم شهریور همه فرماندهان و مقامات امضاکننده طرح مرخصی سربازان وظیفه را ـــ که در عمل به انحلال ارتش انجامیده بود ـــ به کاخ سعدآباد احضار کرد و به آن‌ها نسبت خیانت داد. شاه سرلشکر احمد نخجوان، (کفیل وزیر جنگ)، و سرتیپ علی ریاضی را مسبب این خیانت قلمداد کرد، ازآن‌رو به ضرب و شتم آنان پرداخته و پس از خلع درجه، آنان را زندانی کرد. سپس دستور داد ایشان به خاطر این خیانت در دادگاه

زمان جنگ محاکمه شوند. سرانجام با تحمیل کشورهای خارجی، رضاشاه پهلوی مجبور به استعفا و خروج از ایران شد.
رضاشاه پس از دومین سکته قلبی در ژوهانسبورگ در تاریخ ۴ مرداد ۱۳۲۳ در گذشت.

گزیده منابع تحقیقی

فارسی

آذربایجان در اوایل دوره پهلوی(بر اساس گزارش محرمانه سال ۱۹۲۷ به ارتش ترکیه)، ترجمه: توحید ملک زاده، نشر اختر، تبریز، ۱۳۸۷.

اسنادی از روابط ایران و ترکیه(۱۳۰۴-۱۳۲۰)، خدیجه صلح میرزایی، سازمان اسناد ملی، تهران، ۱۳۸۲.

اسنادی از روابط ایران و ترکیه(۱۹۳۷-۱۹۲۲)، نظامعلی دهنوی، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران، ۱۳۸۶.

امیرکبیر و ایران، فریدون آدمیت، نشر خوارزمی، تهران، ۱۳۷۸.

ایران بین دو انقلاب، یرواند آبراهامیان، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷.

تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، علی اکبر بینا، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، عبدالله (امیر طهماسب)، بی جا، بی تا.

تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، علی اصغر زرگر، ترجمه کاوه بیات، تهران، ۱۳۷۲.
تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.
تحولات فرهنگی و سیاسی ایران معاصر در گفتگو با علی اصغر حقدار، استانبول، ۱۳۹۵.
داشناک- خوبین- نگاهی به هم پیمانی ارمنی ها و کردها در شورش آرارات ۱۳۰۹-۱۳۰۷ شمسی، جهانگیر اندرجانی و کارو ساسونی، به کوشش کاوه بیات، انتشارات پردیس دانش، ۱۳۹۴.
رضاشاه کبیر یا ایران نو، الوین ساتن، ترجمه عبدالعظیم صیوری، تهران، ۱۳۳۵.
رضاشاه و شکل گیری ایران نوین، استفان کرونین، ترجمه مرتضی ثاقب فر، نشر جامی، ۱۳۸۳.
روابط ایران و ترکیه از سقوط دولت عثمانی تا برآمدن نظام جمهوری ۱۳۰۲-۱۲۹۷ شمسی، کاوه بیات، انتشارات پردیس دانش، تهران، ۱۳۹۴.
سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی- ۱۳۰۰- ۱۳۵۷، عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۳.
قطعاتی از تاریخ معاصر ایران، علی اصغر حقدار، نشر باشگاه ادبیات، ۱۳۹۶.
گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، به کوشش محمدحسن کاووسی عراقی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۹.

مرزهای ایران و ترکیه- شرح گزارشات و وقایع یومیه کمیسیون های تحدید حدود ایران و ترکیه در سال های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۲، رحمت الله معتمدی(معتمدالوزاره)، انتشارات پردیس دانش، ۱۳۸۹.
یادبودهای سفارت استانبول، خان ملک ساسانی، انتشارات بابک، تهران، ۱۳۵۴.

مقالات

بررسی الگوهای تضاد و همکاری در روابط ایران و ترکیه، بهروز مختاری و حمیدرضا منتظری، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال سیزدهم و چهاردهم، شماره ۵۲-۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱.
بررسی مسایل ارضی ایران و ترکیه در دوره رضاشاه ۱۳۰۴-۱۳۲۰ش، مهدی فرجی، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و دوم، دفتر اول، بهار ۱۳۹۱.
پیمان سعدآباد، علیرضا بیگدلی، فصلنامه روابط خارجی، سال دوم، شماره ۹.
مقایسه نوسازی ایران و ترکیه در دوران رضاشاه و آتاتورک، حمید نساج، فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۵، تابستان ۱۳۹۲.
نظام اقتصاد جهانی و صنعتی‌سازی جایگزین واردات در دورهٔ رضاشاه: اهداف و پیامدها، شهرام غلامی، فصلنامه پژوهش های علوم تاریخی، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

ترکی

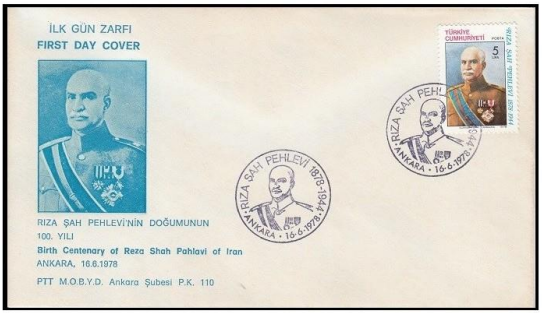
ATATÜRK, İLBER ORTAYLI, Kronik kitap, İstanbul, 2018.
ATATÜRK VE ŞAH, TARIK SAYGI, Parola yayınları, İstanbul,2014.
ATATÜRK VE AZERBAYCAN POLİTİKASI, Mahir ASLAN, Edirne Trakya Üniversitesi, 2008.
ATATÜRK'ÜN FİKİR VE DÜŞÜNCELERİ, Utkar KOCATÜRK, ATATÜRK ARAŞTIRMA MERKEZİ, ANKARA, 2017.
ARŞİV BELGELERİNDE OSMANLI-İRAN İLİŞKİLERİ, ANKARA, 2010.
DEVLET VE MADUNİYET- TÜRKİYE VE İRAN'DA MODERNLEŞME, TOPLUM VE DEVLET, DERLEYEN: Touraj Atabaki, İstanbul bilgi üniversitesi yayınları, İstanbul, 2010.
MODERN İRAN TARİHİ, ERVAND ABRAHAMIAN, Çeviren: Dilek Şendil, İŞ Yayınları, İstanbul,2018.
NUTUK 1919- 1927, KEMAL ATATÜRK, ATATÜRK ARAŞTIRMA MERKEZİ, ANKARA, 2018.

TÜRKİYE-İRAN İLİŞKİLERİ 1979-2004, Robert Olson, Çeviri: Kezban ACAR, Babil yayıncılık, ankara, 2005.
İran Mektupları, Cemil Said Bey, Hazırlayan: A. ERGUN ÇINAR, KİTABEVİ, İstanbul, 2014.
İRAN- OSMANLI TİCARİ İLİŞKİLERİ(1900-1923), Masoumeh DAEİ, berikan yayınevi, ankara, 2013.

ایران: اقلیم، خلق، اقتصادیات، اجتماعیات، مؤسسات مدنیه، عادات ملیه، و سائره کی اوصاف و خصوصیاتنه باحثور، دوقتور فخرالدین شوکت، مرکز فروختی اقبال کتبخانه سیدر، استانبول، ۱۳۴۱ق.

تصاویر


TÜRKİYE CUMHURİYETİ'NİN İKİNCİ REİSİ GAZİ M.KEMAL HAZRETLERİNİ ZİYARETLERİ HATIRASIDIR
ANKARA - 1934


İLK GÜN ZARFI
FIRST DAY COVER
RIZA ŞAH PEHLEVİ'NİN DOĞUMUNUN
100. YILI
Birth Centenary of Reza Shah Pahlavi of Iran
ANKARA, 16.6.1978
PTT M.O.B.Y.D. Ankara Şubesi P.K. 110
RIZA ŞAH PEHLEVİ 1878-1944
ANKARA • 16-6-1978
TÜRKİYE CUMHURİYETİ
5



Cumhuriyet

Onbirinci sene: No. 3630 İSTANBUL — ÇAĞALOĞLU Cuma 15 Haziran 1934

Şehinşah Hz. hoşgeldiler, sefalar getirdiler

İskân kanunu dün kabul edildi

Bu münasebetle gene Mecliste hararetli münakaşalar oldu

M. Suriç geliyor

Sovyet sefiri Ankara giderek veda edec

Şehinşah Hz. Samsuna hareket ettiler

misafirimiz dün Trabzonda Hariciye Vekilimiz tara-

tarafından karşılandılar ve coşkun tezahüratla Yavuza rakip oldular



Cumhuriyet

روزنامه جمهوریت با علیحضرت عرض خوش آمدی مینماید

Şehinşah Hz. ile Gazi Hz. bu sabah 11 buçukta Istanbulu şereflendiriyorlar

İstanbul aziz misafirini ve büyük Gazisini muazzam merasim ve tezahürat ile karşılayacak

İzmirden Sema, Balıkesir ve Çanakkaleye





Cumhuriyet

روزنامه جمهوریت با علیحضرت عرض خوش آمدی مینماید

Şehinşah Hz. ile Gazi Hz. bu sabah 11 buçukta Istanbulu şereflendiriyorlar

İstanbul aziz misafirini ve büyük Gazisini muazzam merasim ve tezahürat ile karşılayacak

İzmirden Soma, Balıkesir ve Çanakkaleye

Büyük kurtarıcılar, Aziz olun, Var olun!

Yapılacak merasim ve tezahürat için hazırlanan program



www. tambryab .com


www.esam.ir/1384420
TÜRKİYE CUMHURİYETİ
POSTA
5 LİRA
RIZA SAH PEHLEVİ 1878-1944
ایسام
esam.ir


Cumhuriyet

Şehinşah Hz. Gümüşanede

Cumhuriyet

Şehinşah Hz. hoşgeldiler, sefalar getirdiler

Şehinşah Hz. Samsuna hareket ettiler

Garip bir ittifak

Venedik mülâkatı

Cumhuriyet Gazetesinin haberleri

www.sekeha.com







Gazi Hazretleri ile Şehinşah Hazretlerinin İzmir seyahatlerinden bir intiba: İki devlet reisi yanyana



PersianPDF.com




















www.tabarian.com














ارضروم ـ اقامتگاه



Cumhuriyetin 100.Yılında Dünya Lideri ATATÜRK


حرکت از اردبیل دوم



رضا شاه و آتاتورک در جمع رجال ایران و ترکیه [۲۰۴۳-۱]





ارضروم- تقدیم دسته های گل

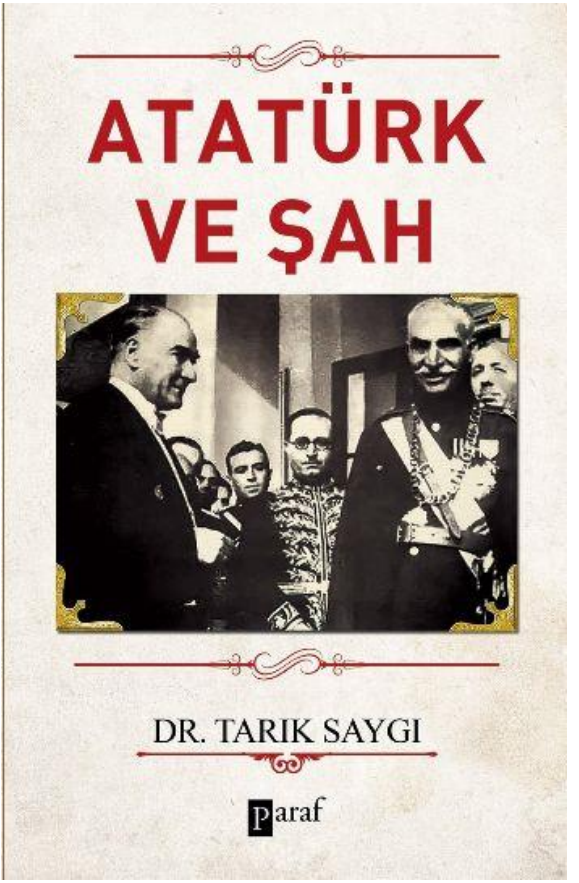

ارضروم-اقامتگاه





(http://mabalder.org/2017/10/01/ataturkun-balikesir-ili-ziyaretleri/; 31.8.2018)
("7.Ziyaret 24-25 Haziran 1934 İran şahı Şah Rıza Pehlevi ile birlikte Balıkesir tren istasyonunda karşılanışı.")

PersianPDF.com


ATATÜRK
VE ŞAH
DR. TARIK SAYGI
Paraf

تنها سفر خارجی رضاشاه پهلوی به ترکیه است. این سفر که به دعوت رسمی مصطفی کمال آتاتورک بنیان‌گذار ترکیه نوین انجام گرفت، سرآغاز روابط دوستانه و همه جانبه‌ای میان ایران و ترکیه شد. رضاشاه در دیدار از ترکیه که همراهی آتاتورک را در پی داشت، ضمن انعقاد قراردادهای تجاری، سیاسی و امنیتی، اختلافات سرحدی که از دوران حکومت‌های قاجار و عثمانی مانده بودند را حل کردند. دیدار از مراکز تاریخی استانبول و پیشرفت‌های صنعتی و نظامی ترکیه در شهرهای مختلف، بخش عمده‌ای از حضور رضاشاه در ترکیه را تشکیل می‌دهند. بازتاب سفر تاریخی رضاشاه پهلوی به ترکیه در مطبوعات و اسناد رسمی دولتین ایران و ترکیه، موضوع کتاب حاضر است.

دفتر مطالعات مشروطه پژوهی حزب مشروطه ایران (لیبرال دمکرات)